

یکپارچه‌سازی اراضی به مثابه تصمیم جمعی دهقانی

حسین شیرزاد - دکترای ترویج و توسعه کشاورزی

چکیده

نظام کشاورزی در ایران با بافتی سنتی معیشتی و واحدهای خرد بهره‌برداری دهقانی توانا به تأمین حداقل مواد غذایی جامعه نخواهد بود و برای حصول به مازاد کشاورزی قابل قبول و قدم گذاردن در مسیر رشد و توسعه، باید به کشاورزی پیشرفته مطابق با استانداردهای اقتصاد کشاورزی بیندیشد. از این رو متخصصان و پژوهشگران در تقابل با مشکلات و عوارض ناشی از پراکنش اراضی، راه‌حل منطقی و امکان‌پذیر یکپارچگی اراضی را توصیه می‌کنند که سیاستی بنیادین در ارتباط با تغییر اندازه زمین زراعی از طریق یکپارچه‌کردن نسق زراعی بهره‌برداران مورد نظر می‌باشد. اما نکته قابل توجه این است که تا به امروز پژوهشی تمام‌گرایانه در زمینه عوامل مؤثر بر پذیرش یکپارچه‌سازی اراضی و تبیین نظری پدیده‌های تعیین‌کننده در «فرآیند تصمیم‌پذیرش یکپارچه‌سازی اراضی» به عنوان یک نوآوری آگروتکنیکال در ایران صورت نگرفته است. در حقیقت پذیرش یکپارچه‌سازی اراضی از سوی روستاییان، واقعیتی نیست که تنها با لحاظ کردن مسائل فنی تکنیکی، یا صرفاً تحلیل اقتصادی قابل تبیین باشد، اگر چه این شاخصها بسیار تأثیر گذارند. این مقاله سعی دارد تا پدیده یکپارچه‌سازی اراضی را از این منظر مورد مذاقه قرار دهد.

واژه‌های کلیدی: یکپارچه‌سازی اراضی، تصمیم جمعی، جامعه دهقانی، پراکنش اراضی.

مقدمه

یکپارچه سازی اراضی کشاورزی در جهان امروز یکی از سازه های عمده دگرگونی در بخش کشاورزی به شمار می رود، به نحوی که کشورهای توسعه یافته با توجه درست به این مهم توانسته اند بیشترین سهم تولید فرآورده های کشاورزی را به خود اختصاص داده و بالندگی را در دیگر بخشهای اقتصادی ایجاد نمایند. در ایران اگر چه یکپارچه سازی اراضی با هدف متحد کردن قطعات پراکنده و به حداقل رساندن تعدد آنها سابقه ای دیرپا دارد، لیکن به علت کمبود مطالعات اجتماعی، اقتصادی و فنی این امر نتوانسته است توفیق مورد نظر را به دنبال داشته باشد. پراکندگی قطعات اراضی یکی از عناصر ساختار سنتی کشاورزی کشور است که امروزه به یکی از موانع اصلی توسعه کشاورزی تبدیل شده است. پراکندگی اراضی دلالت بر وضعیتی دارد که در آن اراضی متعلق به کشاورزان در محدوده یک روستا در چندین نقطه مختلف پراکنده است. به عبارت دیگر کل زمین زراعی هر کشاورز به قطعات کوچکی تقسیم شده و غالباً این قطعات در فواصل دور از هم قرار گرفته اند. البته پراکنش اراضی کشاورزی متعلق به زارعان تا حدودی قابل قبول می باشد ولی آنچه که معضل و مانع در راه توسعه کشاورزی شناخته می شود قطعه قطعه بودن و خرد شدن بسیار شدید اراضی است. این پدیده در نظام رعیتی بنابر مقتضیات طبیعی، فناوریانه، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی پدید آمد و به لحاظ کارکردهای مثبتی که در سازماندهی تولید زراعی و مدیریت جامعه روستایی داشت تاکنون دوام یافته است. «سلمان زاده» و «جونز» اعتقاد دارند که یکی از نتایج اصلاحات ارضی در ایران، ایجاد واحدهای غیر اقتصادی و کوچک بوده است و برای افزایش بازدهی دولت، ایران در سال ۱۹۶۸-۱۹۶۷ دو برنامه در نظر گرفت که یکی از آنها یکپارچه کردن مزارع کوچک از طریق تشکیل تعاونیهای زراعی و دیگری خرید املاک خصوصی برای اجاره به شرکتهای بزرگ تجاری به منظور جایگزین کردن مزارع کوچک با مزارع مکانیزه، مدرنیزه و با مقیاس وسیع بوده است (Salmanzadeh and Jones, 1979). نتایج بررسیها نشان می دهد که پراکنش اراضی در جوامعی که دارای ساختار کشاورزی سنتی هستند، از محاسنی نیز برخوردار است. این محاسن در یک تقسیم بندی کلی سه دسته عوامل بومشناختی، اجتماعی فرهنگی و اقتصادی را شامل می شود. از دید اقتصادی امکان کشتهای مختلف، منجر به رشد اشتغال زایی می شود، همچنین در مناطقی که چندکشتی در جهت خودکفایی معمول است پراکنش اراضی منطقی می باشد. از دید بومشناختی نیز پراکنش اراضی با وجود پرچینهها، خاربنها و در مکانهایی که شیب زمین، خاک، درجه حرارت، باد و تبخیر شدید، محیط بومشناختی مناسب با شرایط جغرافیایی ایجاد کرده اند، ضمن جلوگیری از فرسایش بادی، تنوع کشت

و چند کشتی را ممکن ساخته و بدین ترتیب کاهش خطرات ناشی از خشکسالی، سیل و به عبارت دیگر بیمه در مقابل حوادث را تا حدودی تضمین می‌نماید و بالاخره از دیدگاه اجتماعی نیز پراکنش اراضی تا حدودی، عدالت اجتماعی، تعادل بین واحدهای بهره‌برداری (از لحاظ استفاده از زمینهای مرغوب و نامرغوب، دور و نزدیک و...) و امر رقابت در نظام سنتی بهره‌برداری را امکان‌پذیر می‌سازد (افتخاری، ۱۳۷۵).

با تغییراتی که در دهه‌های اخیر در جامعه روستایی و بخش کشاورزی کشور به وقوع پیوسته، پدیده پراکندگی اراضی به تدریج کارکردهای مثبت خود را از دست داده است تا جایی که در شرایط حاضر به مانع اساسی در پیشرفت و ترقی بهره‌برداریهای دهقانی و به تبع آن در جامعه روستایی و توسعه کشاورزی کشور تبدیل شده است. «شهبازی» در بررسی عوامل کندکننده، بازدارنده یا منحرف کننده جریان توسعه روستایی به مواردی همچون تأخیر در تمهید و تدبیر یک سلسله موازین شرعی و قانونی برای ممانعت از کوچک و پراکنده شدن اراضی زراعی ملکی تحت کشت و کار هر خانوار روستایی، تأخیر در تدبیر مشوقها و انگیزه‌های مداوم قانونی برای یکپارچه کردن اراضی هر خانوار روستایی و تأخیر در ارائه خدمات اعتباری و حمایتهای فنی برای اجرای عملیات زیربنایی به روستاییانی که مبادرت به یکپارچه کردن اراضی زراعی ملکی خود کرده‌اند یا خواهند کرد اشاره می‌کند. از دیدگاه وی راهبردی یکپارچه کردن اراضی مزروعی هر خانوار روستایی و اعمال اصلاحات زیربنایی در این اراضی و محیط روستایی از جمله راهبردهای محوری فعالیتهای توسعه و عمران روستایی به شمار می‌آید (شهبازی، ۱۳۶۷). در کشوری مانند ایران که واحدهای بهره‌برداری دهقانی و خانوادگی، نظام غالب بهره‌برداری هستند، بررسی عوامل مؤثر در تقطیع اراضی، مزایا و معایب آن و مشکلات مهم موجود در مسیر پذیرش تحدید و یکپارچه‌سازی از سوی زارعان می‌تواند نقش مهمی در توسعه روستایی داشته باشد. بهره‌برداریهای زراعی کشور غالباً کوچک‌اند و درصد قابل توجهی از آنها وسعتی کمتر از یک هکتار دارند. براساس نتایج سرشماریها میزان این بهره‌برداریهای از کل بهره‌برداریهای زراعی کشور به حدود ۶۶ درصد می‌رسد. از بین بهره‌برداریهای کل کشور ۲۶/۸ درصد کمتر از یک هکتار وسعت دارند و متوسط وسعت آنها ۰/۳۷ هکتار می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۱). همچنین اطلاعات به دست آمده در زمینه پراکندگی قطعات بهره‌برداری زیر کشت برنج کشور نشان می‌دهد که در مجموع نسبت تعداد قطعات به تعداد بهره‌برداریهای ۱۶۶/۲۱ درصد است، یعنی اراضی زیر کشت برنج هر بهره‌بردار در ۱/۶ قطعه پراکنده می‌باشد و به تفکیک طبقات بهره‌برداری با افزایش وسعت بهره‌برداریهای نسبت پراکندگی نیز افزایش می‌یابد.

به عنوان نمونه در استان مازندران در مجموع نسبت پراکندگی قطعات زیر کشت برنج بهره‌برداریه‌ها ۱۴۲/۷ درصد است که در مقام مقایسه با کل کشور کمتر می‌باشد. در این استان میانگین اندازه قطعات زیر کشت برنج برای تمام بهره‌برداریه‌ها ۱/۰۴ هکتار است. از این رو اراضی متعلق به هر بهره‌بردار یکجا و یکپارچه نیست و از قطعات پراکنده و دور از هم تشکیل شده که فاصله آنها از یکدیگر گاهی به چند کیلومتر می‌رسد و در برخی موارد اندازه قطعات از چند صد متر تجاوز نمی‌کند (وزارت کشاورزی، ۱۳۶۹).

نتایج بررسی‌های اقتصادی ترویجی در منطقه طرح توسعه حوزه آبخیزداری نشان داد که پراکندگی قطعات مزرعه به طور متوسط در آمل ۸/۷ قطعه در هکتار و در بابل ۵/۵ قطعه در هکتار است، همچنین اندازه بزرگ‌ترین قطعه ۱/۵ هکتار و کوچک‌ترین آن ۱۰۰ متر مربع می‌باشد و متوسط اندازه قطعات در اندازه‌های بزرگ ۴۰۰۰ متر مربع و در اندازه‌های کوچک ۱۰۰۰ متر مربع است (حیدری، ۱۳۶۹). تلفات آب، اتلاف نیروی انسانی، اتلاف وقت، پایین بودن میزان بهره‌وری، بالا بودن هزینه‌های تولید، از دست رفتن هزینه‌های فرصت، مشکل نظارت بر کار، جلوگیری از الگوی مناسب زراعی، غیر کار آ کردن مدیریت مزرعه، افزایش هزینه‌های مطالعاتی در ارتباط با اراضی مزروعی، اتلاف منابع تولید، کمبود درآمد زارعان، عدم استفاده مؤثر از ماشین‌آلات کشاورزی و محدودیت استفاده از آنها در قطعات کوچک و استهلاک سریع مکانیزاسیون، محرومیت از دستاوردهای علمی و فنی جدید در فعالیتهای تولیدی، مصرف بیشتر نهاده‌ها به خصوص بذر و کود، عدم استفاده مؤثر از سرمایه در این قطعات کوچک غیر اقتصادی، روند روبه رشد تخریب و فرسایش خاک، اختلاف میان کشاورزان و تضعیف همبستگیهای اجتماعی در جامعه روستایی و سرانجام فقر و مهاجرت روستایی به عنوان شاخصهای توسعه نیافتگی، همگی به نوعی مرتبط با پراکندگی قطعات هستند. تحقیقات «کرکتا» در هندوستان درباره پذیرش فناوریهای زراعت برنج از سوی شالی کاران، به وسیله تحلیل رگرسیونی نشان داد که قطعه قطعه بودن مزارع شالی کاری یکی از عوامل بازدارنده پذیرش فناوریها می‌باشد (بخشوده به نقل از کرکتا، ۱۳۶۸). برخی مطالعات آثار پراکندگی قطعات را در اتلاف منابع انسانی و نهاده‌های تولیدی بیش از ۵۰ درصد برآورد کرده‌اند و چنانچه آثار زنجیره‌ای و تشدیدکننده این پدیده را به حساب آوریم، اتلاف منابع، انرژی و آثار جانبی آن بیش از ارقام یادشده خواهد بود. کوچکی قطعات به همراه افزایش قطعات مورد بهره‌برداری در دراز مدت نه اشتغال پایدار برای دهقان به بار می‌آورد و نه مزد کافی برای وی و خانواده‌اش (ازکیا، ۱۳۶۹). «افتخاری» به نقل از

«بنس»^۲ (۱۹۵۰)، «من»^۳ (۱۹۶۰)، «قیواری»^۴ (۱۹۷۰)، «کاریوژیس»^۵ (۱۹۷۱)، «زهیر»^۶ (۱۹۷۵)، «کمیک»^۷ و «بورتن»^۸ (۱۹۸۳) و «دایلن»^۹ و «جاسبر»^{۱۰} (۱۹۸۹)، در ارتباط با زینهای ناشی از پراکندگی اراضی عوامل زیر را برمی‌شمرد: عدم امکان زهکشی جامع و سایر طرحهای بهبود آبیاری، تشدید فرسایش خاک و عدم اصلاح آن، تشدید شوری خاک و باتلاقی شدن آن ناشی از فقدان زهکشی و انجام تسطیح، محدودیت در حفاظت آب و خاک، عدم تعادل‌های زیست محیطی. همچنین وی از دیدگاه اجتماعی نیز با نقل از پژوهشهای: «بوی»^{۱۱} (۱۹۵۶)، «پاگرور گیو»^{۱۲} و «تامسون»^{۱۳} (۱۹۶۳)، «طباطبایی»^{۱۴} (۱۳۴۵)، «قیواری»^{۱۵} (۱۹۷۰)، «بوش»^{۱۶} (۱۹۷۰)، «هیزرمنند»^{۱۷} (۱۹۸۰)؛ پیامدهایی مانند افزایش گرفتاریها، اختلافات و مشاجرات دهقانی، کاهش انگیزه‌ها برای تلاش بیشتر، کاهش همکاری و تعاون، کاهش اجرای تصمیمات سیاسی (ایجاد تعاونیها، بهسازی، کاهش قیمت زمین و...) محدودیت ممیزی و نقشه‌برداری املاک و تعیین حدود، بالا رفتن میزان شکایات و افزایش مشکلات قضایی را از نتایج پراکندگی اراضی برمی‌شمارد (افتخاری، ۱۳۷۵). همچنین «سیمونز» نیز معتقد است که پراکندگی اراضی موجب می‌شود تا هزینه‌های اضافی در تولید محصولات پدید آید که عمدتاً ناشی از افزایش نیروی کار لازم و تلفات آب بوده و علاوه بر این همواره مقداری زمین نیز به منظور ایجاد مرزبندی قطعات بدون استفاده مفید از دسترس خارج می‌گردد (Simons, 1983). «کانرت» نیز بیان می‌کند که پراکندگی اراضی از به‌کارگیری روشهای مدرن جلوگیری کرده و کارآیی نیروی کار را کاهش می‌دهد (Kunert, 1977).

به عقیده «کوپاهی» صرفه جوییهای را که ممکن است در مزارع یکپارچه‌شده، حاصل شود می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: الف) صرفه جوییهای حاصل از کاربرد ماشین‌آلات کشاورزی در سطح وسیع، ب) صرفه جویی در هزینه حفظ نباتات در سطح وسیع، ج) صرفه جویی در هزینه آبیاری در سطح وسیع. وی خاطر نشان می‌سازد که در اغلب روشهای حفظ نباتات نه تنها وسعت کافی مزارع ضروری است، بلکه وسعت کافی زمینی که در آن گیاه مورد نظر کاشته می‌شود نیز لازم است. این بدان معنی است که تلفیق تعداد زیادی از مزارع کوچک به صورت یک قطعه مناسب برای استفاده از وسایل حفظ نباتات ضروری است.

- | | |
|--------------|-------------------|
| 2. Beneth | 9. Dilen |
| 3. Maine | 10. Jasber |
| 4. Ghivary | 11. Bowe |
| 5. Kariujiss | 12. Papagrioregio |
| 6. Zahir | 13. Tampson |
| 7. Komik | 14. Bush |
| 8. Burton | 15. Hizermand |

«کوپاهی» اعتقاد دارد که امتیاز مزارع یکپارچه شده به خصوص در مورد تأسیسات آبیاری محسوس است. اگر مزارع خرد و کوچک باشند به علت تبخیر و نفوذ عمقی آب مقداری از آن هدر می‌رود و برای استفاده از روشهای جدید آبیاری، مزرعه باید اندازه مطلوبی داشته باشد تا هزینه‌ها به حداقل برسند. مزارع کوچک و پراکنده را نمی‌توان مکانیزه کرد و صاحبان آنها به دلیل اقتصادی مجبورند دست از زراعت بردارند (کوپاهی، ۱۳۶۹).

با توجه به این مسائل تعیین واحدهای بهره‌برداری کشاورزی در قالب مالکیت‌های مطلوب، متناسب با هر یک از مناطق روستایی، با سازمان تولیدی یا شیوه مناسب می‌تواند ضامن توسعه کشاورزی و بهبود وضع اجتماعی و اقتصادی جامعه دهقانی ایران باشد.

فرآیند یکپارچه‌سازی اراضی از دیدگاه نظریه‌های نشر نوآوری

پژوهشها در ارتباط با پذیرش و انتخاب نوآوریها ابعاد تحقیقاتی متنوعی دارند. نظریات پذیرش و نشر نوآوری، در یافته‌های مطالعاتی «راجرز» و «شومیکر» تبلور عینی یافته است. مدل «راجرز» در زمینه پذیرش نوآوریهای فردی در جامعه، مرکب از چهار مرحله دانش یا اطلاع از وجود نوآوری و کارکرد آن، ترغیب یا گرایش مساعد یا نامساعد نسبت به نوآوری، تصمیم به انتخاب یا عدم انتخاب نوآوری و هم‌نوایی است (Rogers, 1982). در بیشتر تحقیقات انجام شده در قالب این مدل به تعیین رابطه بین متغیرهایی مانند: سن، سطح سواد، آگاهی، دسترسی به اطلاعات از طریق مجراهای ارتباطی و بینش زارع در ارتباط با نوآوری، بسنده شده است و عدم پذیرش، همواره فرد نکوهی را به دنبال داشته است. با ادامه پژوهشها، برخی از محققان توجه خود را به سازه‌های اقتصادی که بیانگر تواناییهای زارع برای پذیرش نوآوریهاست، معطوف نمودند مانند: سطح زیر کشت، میزان محصول در هکتار، احتمال ادامه فعالیت‌های زراعی، درآمد زارع، میزان اراضی تحت مالکیت زارع و نوع مالکیت. برخی از محققان در بررسی سازه‌های مؤثر بر پذیرش نوآوریها، متغیرهایی را که در پژوهشهای مختلف تجربی مرتبط، مورد توجه بوده‌اند چنین بر شمرده‌اند: اندازه مزرعه و سازه‌هایی نظیر گرایش به ریسک، سرمایه انسانی، محدودیت‌های اعتباری، دسترسی به سرمایه و نیروی کار. آنها متذکر می‌شوند که عرضه نوآوریهای جدید مستلزم داشتن سطح مناسبی از آموزش می‌باشد و انتظار می‌رود کشاورزانی که سطح سواد بیشتری دارند، نوآوریهای جدید را بهتر بپذیرند (Van Kooten, 1986). تقریباً اکثر پژوهشهای انجام

شده نیز به این شکل بوده است که در نظام اجتماعی، به جای تصمیم‌گیری جمعی، تصمیم‌گیری انتخابی و به وسیله افراد انجام می‌پذیرد. اما نکته مورد توجه در این مقاله آن است که در هنگام تصمیم‌گیری جمعی در ارتباط با پذیرش یکپارچه‌سازی اراضی به عنوان یک نوآوری جمعی، چه سازه‌هایی دخیل هستند و این فرایند چگونه انجام می‌پذیرد. در این قسمت ابتدا به مرور پیشینه نگاشته‌های مربوط به الگوهای تصمیم‌گیری جمعی پرداخته شده، آنگاه پیشینه نگاشته‌های مربوط به یکپارچه‌سازی اراضی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

مروری بر مدل‌های تصمیم‌پذیرش جمعی نوآوریها

۱- مدل راجرز

تصمیم‌گیری جمعی، اجتماعی‌ترین نوع تصمیم‌نوآوری است، زیرا بر پایه روابط اجتماعی و ساختار نظام اجتماع استوار می‌باشد (Rogers, 1982). در مرور نظریه‌های ارائه شده طی سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ تصمیم‌گیریهای جمعی پیرامون نوآوریها، مربوط به متغیرهای مستقلی بود که بیشتر به ابعاد گروهها، جمعیتها و ابعاد ساختاری آنها می‌پرداخت و عبارت بودند از: تمرکز، پیچیدگی^{۱۸}، درجه رسمیت روابط^{۲۰}، و به اینها متغیرهای فردی اضافه می‌شدند که در ارتباط با نوآوریهای جمعی بودند (ibid.). «راجرز» این متغیرها را در سه طبقه که عبارت بود از متغیرهای مربوط به خصوصیت‌های ویژه رهبری، متغیرهای مربوط به خصیصه‌های درونی ساختار گروه و متغیرهای بیرونی تأثیرگذار بر گروه، تقسیم‌بندی کرد و با در نظر گرفتن «نوگرایی گروهی» به عنوان متغیر وابسته برای اولین بار عواملی همچون ویژگیهای فردی رهبر و نگرش شخصی وی در ارتباط با تغییر، خصوصیات درونی ساخت سازمانی (تمرکز، پیچیدگی، درجه رسمیت، روابط، اندازه گروه) و ویژگیهای بیرونی سازمان (باز بودن سیستم جامعه و خصیصه‌های پیرامونی) را به مثابه متغیر مستقل در نظر گرفت و بر روابط بین آنها تأکید داشت (ibid.).

مطالعات «بامگرتل» در هندوستان، انگلستان و آمریکا نشان داد که شرایط سازمانی و سازه‌های محیطی از عوامل کلیدی در پذیرش نوآوریها به شمار می‌روند (Baumgartel, 1983). در تصمیمات جمعی، تمامی اعضای نظام اجتماعی شرکت

18. centralization

19. complexity

20. formalization

21. climatic organization

دارند، به همین دلیل این روش احتمالاً باید کندتر از تصمیم نوآوری مشروط و انتخابی به نتیجه برسد. معمولاً پذیرش تصمیم انتخابی، سریع تر از تصمیمات جمعی صورت می پذیرد. تصمیمات جمعی به طور قابل ملاحظه‌ای پیچیده تر از تصمیمات انتخابی است، زیرا فرآیند تصمیمات جمعی، مجموعه‌ای از تصمیمات افراد در زمینه‌هایی مانند: عرضه ایده جدید در یک نظام اجتماعی، سازگاری ایده جدید با شرایط محلی، تأیید ایده و پشتیبانی از نوآوری است (ibid.). در مورد تصمیمات انتخابی تمامی این‌گونه فعالیتها در ذهن یک فرد انجام می‌گیرد.

«کرمی» به نقل از «گوتش»^{۲۲} بیان می‌کند که طبیعت تصمیم نوآوری نیز سازه مهمی به شمار می‌رود، زیرا سرعت تصمیمات انتخابی و فردی سریع تر از تصمیمات جمعی می‌باشند. چون در تصمیمات جمعی تمامی نظام اجتماعی دخالت دارند. تصمیمات جمعی معمولاً ریتم کندی داشته و دیرتر از تصمیمات نوآوری مشروط و انتخابی به نتیجه می‌رسند (کرمی و فناپی، ۱۳۷۳). از سوی دیگر اندازه و تعداد افراد گروه نیز در انسجام و یگانگی تصمیمات جمعی مؤثر می‌باشند و سازه مهمی در فرآیند پذیرش تصمیمات جمعی به شمار می‌رود. به عقیده «ارجرز» هر چقدر تعداد افراد شرکت کننده در تصمیم نوآوری بیشتر باشد، سرعت تصمیم‌گیری کمتر خواهد بود و هنگامی که اطلاعات مربوط به ایده جدید با افراد زیادی در میان گذاشته شود، امکان تحریف پیام زیاد می‌شود و سرعت رسیدن به توافق کاهش می‌یابد. زیرا هر فرد دارای اعتقادات و نظریاتی است که تفکر وی را نسبت به نوآوری به‌گونه‌ای ویژه و متمایز از دیگران شکل می‌دهد (Rogers, 1982). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که بین سطوح فردی و اجتماعی رفتار پذیرشی زارعان تمایز فراوانی وجود دارد. در سطح فردی، رفتار شامل گرایشها، دانش و شکل‌گیری ابتدایی آگاهیهاست و در سطح اجتماعی، فرد با متغیرهای کاملاً متفاوتی مثل تبلیغات، روابط عمومی و فشار اجتماعی سیاسی گروههای مرجع سر کار دارد (Roling, 1988). تحرک توده‌ای در تصمیم‌گیریهای جمعی را می‌توان سنتی ترین شکل تغییرات اجتماعی دانست. بسیاری از محققان معتقدند که این تحرکات به منابع محلی، فعالیتهای اجتماعی، سازمانها و نهادهای درگیر و تأثیرات تاکتیکی و راهبردی منشأ گرفته از آنها بستگی دارد و خلق مهارتها به وسیله مشارکتهای توده‌ای^{۲۴} می‌تواند در به وجود آوردن تغییرات اجتماعی به نحو مؤثری مفید باشد (Checkoway, 1995). همچنین نتایج مطالعات نشان می‌دهد که مقاومت کشاورزان در

22. Gotsch

23. reference group

24. mass mobilization

برابر پذیرش نوآوریها بر خلاف نظریهٔ نشر که آن را به خصوصیات فردی کشاورزان مربوط می‌داند، به سازه‌های خارجی (اجتماعی، اقتصادی، نهادی، بومشناختی، فرهنگی) مرتبط می‌باشد (Karami, 1986; Collinson, 1988; Roling, 1988).

۲- مدل بیل

در ارتباط با تصمیم‌گیریهای جمعی از بین انگاره‌هایی که از موضع نظریه‌های نشر، خیز برداشته‌شده، «راجرز» و «شومیکر»، الگوی «بیل»^{۲۵} را مطرح می‌کنند که سنتی‌ترین دیدگاه در ارتباط با تصمیم‌گیریهای جمعی است. مراحل فرایند این انگاره عبارت‌اند از: تحریک آغازگری^{۲۷}، مشروعیت^{۲۸}، تصمیم و عمل^{۲۹}؛ که سرانجام به پذیرش نوآوری جمعی می‌انجامد (راجرز و شومیکر، ۱۳۶۹). احساس نیاز اعضای نظام اجتماعی به ایدهٔ جدید اولین مرحله از این الگو را با عنوان تحریک تشکیل می‌دهد و فرض بر این است که افراد اجتماع از وجود نوآوری اطلاعی نداشته و از درک نیازهای مسائل نظام و ارتباط آن با یک نوآوری تازه عاجز هستند. محرک، فردی خارج از نظام اجتماعی است و اگر هم از اعضای نظام باشد دارای رابطهٔ نزدیکی با اعضای دیگر نظام بوده و از درجهٔ برون گروه‌نگری بالایی برخوردار است (Rogers, 1982). محرکان در برگیرندهٔ تمامی افراد موجود در ساختار ارتباطات می‌شوند که کنترل نوع پیام قابل عبور از کانال ارتباطی را برعهده دارند. محرکان جهان شهری‌تر از دیگر اعضای نظام اجتماعی بوده و نظر مساعدتری نسبت به تغییر دارند. نیاز به نوآوری چه از داخل نظام تشخیص داده شود و چه خارج از نظام اجتماعی باشد، تصمیم به پذیرش و رد آن توسط افراد بومی صورت می‌گیرد و باید مورد توجه افراد جامعه قرار گیرد تا جزئی از فرایند نظام تصمیم‌گیری جامعه درآید. در مرحلهٔ آغازگری، افراد بیشتری از نظام اجتماعی متوجه ایدهٔ جدید می‌شوند، پس از آن نوآوری باید هر لحظه با نیازهای نظام اجتماعی سازگارتر شود. «آغازگران نوآوری» نقش این انطباق را برعهده دارند و برنامهٔ عملی ارائه می‌دهند که با شرایط محیطی سازگارتر باشد. اینان معمولاً از پایگاهها و نقشه‌های اجتماعی آگاهی داشته و می‌توانند برخی از پیامدهای نوآوری را پیش‌بینی کنند. آغازگری ممکن است با بیش از یک فرد آغاز شود که غالباً آن را مجموعهٔ آغازگری^{۳۱} می‌نامند.

25. Beal
26. stimulation
27. initiating
28. legitimation
29. decision
30. action
31. initiating set

ارتباط میان محرکان و آغازگران اثبات شده و هر دو گروه با افراد متنفذ جامعه در ارتباط هستند. در حالی که «محرکان نوآوری» نسبت به نظام اجتماعی معمولاً افرادی خارجی محسوب می‌شوند، «آغازگر» فردی بومی بوده و ابزار مهم وی، شناخت دقیق او از ساختار اجتماع است. مشروعیت، تأیید و تصویب نوآوری از طرف افرادی از نظام اجتماعی است که به طور غیر رسمی از نظر هنجارها، روشها و قدرت اجتماعی نماینده نظام می‌باشند. نقش «مشروعیت دهندگان» به طور عمده، طرح ایده‌های جدید برای تصویب می‌باشند. اینان در فرآیند تصمیم‌گیری نقش غیرفعالی دارا هستند اما آهنگ پذیرش نوآوری دارای رابطه مثبتی با میزان دخالت مشروعیت دهندگان در فرآیند تصمیم‌گیری است و هرگونه عدم دخالت، عدم تماس یا مشورت با مشروعیت دهندگان، شانس پذیرش نوآوری را کاهش می‌دهد. مشروعیت دهندگان جریان پاسخ به پیامهای ترویجی را افزایش می‌دهند و پاسخ به پیامهای ترویجی به طور قابل ملاحظه‌ای متأثر از اعتبار انتقال دهنده پیام است. مشروعیت دهندگان دو منبع عمده نظام اجتماعی یعنی «منزلت و قدرت» را چه به صورت توصیفی و چه به صورت سنجشی در اختیار دارند. مشروعیت دهندگان یا دارای قدرت غیر رسمی یا دارای اقتدار رسمی بالایی در نظام می‌باشند. همچنین «آغازگران نوآوری» را به ندرت می‌توان جزئی از مشروعیت دهندگان نوآوری به حساب آورد. شاید بتوان مروجان را در نقش محرک یا آغازگر در فرآیند تصمیم جمعی نوآوری معرفی کرد، اما آنها را به ندرت می‌توان در نقش مشروعیت دهنده ایده جدید به حساب آورد زیرا مروجان واجد شرایط یک مشروعیت دهنده نیستند و معمولاً به عنوان افراد خارجی نسبت به جامعه روستایی تلقی می‌شوند که دارای مهارتهای فراوان اند (نوعی فن مدار^{۳۲} روستایی). مهم‌ترین راهبرد نشر نوآوری که محققان به مأموران تغییر توصیه می‌کنند این است که از طریق رهبران افکار و مشروعیت دهندگان فعالیت نمایند. مرحله تصمیم و به دنبال آن مرحله عمل معمولاً با سرعتی بیشتر از مراحل قبلی صورت می‌گیرد و از ضربان تندتری برخوردار است.

مدل سنتی نشر که ریشه در جامعه‌شناسی روستایی دارد، بر خصوصیات فردی اجتماعی فرایند تصمیم‌پذیرش تأکید دارد و مدعی است که خصوصیات فردی، میزان و نوع اطلاعاتی را که فرد در معرض آن قرار می‌گیرد، تحت تأثیر قرار می‌دهند. در این مدل به متغیرهایی مانند: سطح سواد، سن، تجربه در زمینه کشاورزی، دسترسی به اطلاعات از طریق روشهای مختلف، آگاهی از نوآوری و بینش اهمیت داده می‌شود. نشر گرایان سوگیری به نفع نوآوری را القا می‌کنند و فرض بر این است که پذیرش برای همه اعضا مطلوب است. سوگیریهای

موجود در پژوهش‌های نشر از ابتدا چنین القا می‌کند که نوآوری بایستی از سوی همه مورد پذیرش قرار گیرد (Rogers, 1982). امروزه معایب بسیاری برای نظریه نشر بیان شده است که عبارت است از: سوگیری نسبت به نوآوری‌های فناورانه؛ سوگیری نسبت به فرد نکوهی؛ نسیان زمینه‌های نهادی (ناابریه‌های نهادی و عدم دسترسی یکسان به منابع)؛ در نظر گرفتن نشر به مثابه فرآیندی خودکار؛ تکیه بر نفوذ دانش از بالا به پایین به مثابه فرایند ارتباطی یک‌طرفه؛ تقویت و تمرکز بر زارعان پیشرو؛ جهت‌گیری شدید روانی اجتماعی مدل نشر بر ویژگی‌های فردی؛ نظام نخبه پروری؛ فرض فرصت برابر اعضای نظام اجتماعی برای پذیرش فناوری‌ها؛ ایجاد شکاف‌های طبقاتی و قطبی کردن جامعه روستایی (Goss, 1972). اکنون اعتقاد بر این است که به دلایل گوناگون، در ارائه نوآوری‌ها نمی‌توان به نظریه‌های نشر، اعتماد و اطمینان کامل داشت (Roling, 1988; Karami, 1986).

۳- مدل شاو

شاو^{۳۳} در سال ۱۹۷۶ با مطرح کردن شاخص «اثر بخشی گروهی» به عنوان عامل مؤثر در تصمیمات جمعی، مدل ریاضی خود را ارائه داد که مجموع تلاش‌های شخصی افراد، تأثیر تلاش‌های گروهی^{۳۵} و فرآیند کاهندگی^{۳۴} را در برمی‌گرفت. «شاو» از تلاش‌های گروهی به عنوان تأثیر سینرژی یا انرژی^{۳۷} که حتی از مجموع انرژی‌های انفرادی بیشتر است نام می‌برد. وی معتقد است که عمل جمعی با مجموعه اعمال افراد نظام متفاوت است و به نظر می‌رسد که در اثر پویایی گروه‌های اجتماعی و مشارکت بیشتر افراد در تصمیم‌گیری جمعی، نه تنها پذیرش تصمیم گسترده‌تر است بلکه میزان تعهد افراد نسبت به تصمیمات پذیرفته شده نیز فزون‌تر می‌باشد. فرآیند کاهندگی در تصمیم‌گیریه‌های جمعی در مدل «شاو» عبارت‌اند از: تضاد و تعارض بین اشخاص تصمیم‌گیرنده، اتلاف وقت و کمبود منابع اقتصادی و امکانات مادی، فشار گروهی، عدم انعطاف پذیری گروهی، رهبری غیرمؤثر و فقدان ارتباطات بین شخصی و کنش‌های درون‌گروهی (Sussman and Deep, 1989). «شاو» معتقد است که حضور نفوذ شخصی رهبران در امر مراقبت اجتماعی و عمل شخصیت‌های مسلط از طریق نفوذشان بر جمع، وسیله بسیار مؤثری برای هم‌نوا کردن مردم با ارزش‌ها و آرمان‌های اجتماعی است. وی اعتقاد دارد که تفکر و رفتار افراد نه تنها در اثر مشارکت بیشتر

33. Shaw

34. individual efforts

35. group effects

36. process loss

37. synergy

در تصمیم‌گیری‌ها، بیشتر تغییر می‌کند، بلکه این تغییرات در طول زمان دوام افزون تری می‌یابند همچنین فرآیند تصمیم‌گیری جمعی فرآیندی «زمان‌بر» بوده اما میزان زمان مورد نیاز بدون تردید با میزان تمرکز قدرت در جمع تغییر می‌کند.

۴- مدل تلفیقی پویایی گروهها

این مدل، تلفیقی از مدل‌های طرح شده در مباحث مربوط به پویایی شناسی گروهها (مدل حل مسئله، مدل رشد سایبرنتیک^{۳۸}، مدل کنش متقابل نمادین، مدل موازنه، مدل ساختی کارکردی) است. مطابق این الگو، در مرحله تحریک با توجه به مدل حل مسئله^{۳۹}، گروهها در پاسخ به نیازهای جمعی افراد، وضعیتهای عام ارتباطی و ضروریات متعارف برای فرآیند حل مسئله دست به مجموعه کنشهایی می‌زنند تا وضعیت موجود را به وضعیت مطلوب نزدیک سازند. نیازها بر اساس کارکردی که دارند، محرک اعمال دیگر شده و مسائل فکری و نیروهای عاطفی کنشگر را متأثر می‌سازند. از دیدگاه مدل رشد سایبرنتیک نیز گروههای انسانی، نظامهای پردازنده اطلاعات تلقی می‌شوند. آنچه در مرحله آغازگری قابل تأمل است، پیگیری این مرحله با توجه به مدل کنشی متقابل نمادین^{۴۰} می‌باشد. مفاهیم و معانی سیال برای اتخاذ تصمیم‌گیریهای جمعی از طریق کنش متقابل اجتماعی به ظهور رسیده و کنش افراد نسبت به تصمیمات گرفته شده بر پایه معانی و تعبیری است که این تصمیمات برای آنها دارد. زمانی افراد به تصمیماتی که رویاروی آنها قرار دارد پاسخ می‌دهند که این معانی در طی فرآیند تفسیری، اصلاح شده و به هم مرتبط گردیده باشند، این فرآیند از طریق آنچه که «مید»^{۴۱} آن را توانایی انسان برای پذیرفتن نقش دیگران می‌نامد و از طریق به کارگیری و خلق سمبلهای معنی دار، ممکن می‌گردد. به این معنی که وقتی سمبلها در تصمیم‌گیری جمعی به کار روند، در ذهن افراد مختلف، معانی را متبادر می‌سازند که خواه ناخواه برای ایجاد کنش مشترک، از اشتراکی کافی برخوردار خواهند بود. از دیدگاه مدل موازنه^{۴۲} مشروعیت‌پذیری در تصمیمات جمعی قابل تبیین است. نهادهای انسانی به دلیل باز و سازمند بودن، نظامهایی در حال تعادل اند و هر نوع بی‌نظمی چه از درون نظام و چه از

38. cybernetic - growth model

39. solving model-problem

40. information processing

41. symbolic interaction model

42. Mead

43. take the role of the other

44. equilibrium model

45. open system

بیرون، به وسیله نیروهای مخالف خنثی شده در نتیجه نظام به وضعیت قبل از بی‌نظمی برمی‌گردد. تحریک و به دنبال آن آغازگری، انسجام نهادی را تضعیف کرده و پویایی گروه‌ها را به پیگیری تلاشهایی برای برقراری انسجام دوباره وادار می‌سازد تا ناهماهنگی و تنش موجود را به حداقل برساند (Hallet, 1971). با توجه به این مدل افراد به دنبال مشروعیت دهندگانی هستند تا تعادل روحی روانی، عاطفی، شخصیتی، اجتماعی، بینشی را به نظام باز گردانند. مشروعیت دهندگان در حکم سوپاپهای اطمینان نظام محسوب می‌شوند و برای بازگرداندن آن به تعادل نقش کلیدی دارند. تصمیمات جمعی در حقیقت پاسخ نهادهای انسانی است در برخورد با تقاضاهای در حال تغییر و موقعیتهای مسئله‌ساز. از نظر مدل ساختی - کارکردی^{۴۶} گروهها نظامهایی در حال تغییر، همراه با کنشهای ناپایدار و روشهای تدبیر شده‌اند که دائماً تغییر کرده و کارکردهایشان را از دست می‌دهند، از این رو تصمیمات جمعی نوعی بسیج امکانات گروهی برای مقابله با تقاضاهای جدید و موقعیتهای پیچیده‌اند و زمانی که منابع، دستخوش تغییرات و کاستیها می‌شوند، گروه باید قادر به پیدا کردن منابع و تمهیدات جدید باشد تا به سازگاری برسد.

۵ - مدل روانشناختی تصمیم‌گیری جمعی

از جدیدترین الگوهای نظری متکی بر فناوری مشارکتی، مدل پیشبرد تصمیمات جمعی، بر مبنای جریان طبیعی تفکر انسانی است. در این مدل فرآیند تصمیم‌گیری جمعی متکی بر چهار گام طبیعی است: گام عینی^{۴۷}، گام انعکاسی یا حسی^{۴۸}، گام تفسیری یا تبیینی^{۴۹} و گام تصمیمی^{۵۰}. این گامها گروه را از مشاهده سطحی یک موقعیت به درک و واکنش عمقی هدایت می‌کند و بدین ترتیب ساختی ارائه می‌شود که هم ساده است و هم کامل؛ ساده است چون پیرو جریان طبیعی تفکر است؛ کامل است زیرا هر گام باید حاصل گام قبلی باشد. در گام عینی، حقایق راجع به تجربیات یا حادثه‌ای مشخص طراحی می‌شود و موضوع در ذهن هر فرد روشن می‌گردد. شروع از گام عینی دو مزیت دارد: اطلاعات زیادی جمع‌آوری می‌شود و جمع، زمینه عینی مشترک راجع به موضوع یا مسئله کسب می‌کند. آنچه جمع راجع به موضوع یا حادثه‌ای کسب می‌کند موضوع گام انعکاسی است و واکنشهای عاطفی و تفکر همبسته در ارتباط با مسائل، شناخته می‌شود. عواطف، داده‌های مهمی‌اند که اگر

46. structural functional model

47. objective

48. reflective

49. interperative

50. decisional

در تصمیمات جمعی مورد توجه قرار گیرند تقویت کننده تصمیمات خواهند بود. در گام تصمیمی، گروه به محرکها پاسخ داده و منجر به عمل می شود. در نهایت آنچه در این مدل به نظر می آید دیدگاه روانشناختی حاکم بر این مدل است (Sussman and Deep, 1989).

۶- نظریه انتخاب حسابگرانه

این نظریه در اصل برای تحلیل اقدام جمعی از سوی «منکور» ارائه شد. محور اساسی این نظریه آن است که افراد بشر بر اساس محاسبه سود و زیان دست به اقدام می زنند. به عقیده وی، مشارکت افراد در جنبشهای اجتماعی و دست زدن به اقدامات جمعی، زمانی صورت می گیرد، که سود این مشارکت بر زیان آن بچربد و اعضای هر گروه قومی تنها زمانی به اقدام جمعی دست می زنند که متقاعد شوند از این طریق نفع مشخصی عاید آنها می شود (Mancur, 1971). این نظریه انگیزه اقدامات جمعی در میان افراد را به خوبی توضیح می دهد اما قادر نیست علت اساسی فرآیند تصمیمات جمعی را تبیین کند. به نظر می رسد امتیاز عمده این نظریه تأکید آن بر عامل انسانی و به وجود آمدن همبستگی بر مبنای منافع اقتصادی باشد. این نظریه اقدامات جمعی افراد را به خوبی توضیح می دهد اما مشکل عمده این نظریه آن است که بر عامل سودجویی و حسابگری انسان تأکید دارد و به عوامل مهم دیگر به ویژه عوامل روانی که ورای محاسبات سود و زیان است توجه نمی کند (احمدی، ۱۳۷۶).

۷- مدل سیمونز

«سیمونز» در رابطه با مطالعات پراکندگی اراضی، در سال ۱۹۸۳ مدلی را مبنی بر اینکه زارعان در تصمیم گیریها تا چه اندازه می توانند اراضی پراکنده خود را یکپارچه سازند، طراحی می کند (Simons, 1983). مدل «سیمونز» متکی بر خرید و فروش اراضی و توابع تولید می باشد و تنها مدل ریاضی موجود برای مطالعه مسئله پراکندگی اراضی کشاورزی است و مدلی صرفاً اقتصادی به شمار می رود. این مدل از جهات بسیاری (حتی از سوی اقتصاددانان) مورد انتقادات فراوانی واقع شده است. «استوکی» بیان می کند که رفتار حداکثر کردن منافع زارعان^{۵۱} صرفاً یک رابطه مبتنی بر حداکثر کردن سود پولی^{۵۲} نبوده و دارای ابعاد وسیع تر و جهات متنوع تری می باشد (Stuki, 1983). «شارما» نیز در این ارتباط می گوید که در این مدل زمین به عنوان یک دارایی سرمایه ای در نظر گرفته^{۵۳} می شود و مدل فوق نمی تواند

51. maximisation behaviour of the farmers' benefit
52. monerary profit
53. capital asset

ترکیب اجتماعی فرهنگی زمین را به حساب آورد، از سوی دیگر پراکندگی اراضی صرفاً مسئله‌ای اقتصادی نیست بلکه نتیجه‌ای از ساختارهای بنیادی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اقلیمی، جغرافیایی و تاریخی نیز است (Sharma, 1983). در زمینه یکپارچه‌سازی اراضی، مهم‌ترین سهم محققان ترویج شاید گسترش مدل‌هایی باشد که بتواند رفتار پذیرشی زارعان را در ارتباط با یکپارچه‌سازی اراضی پیش‌بینی کند. اگر درجه معینی از اعتبار این مدل‌ها ثابت شود، می‌توانند ابزاری در طراحی برنامه‌های پذیرش یکپارچه‌سازی و خدمات ترویجی مربوط به آن باشند، که این امر به نوبه خود پذیرش آسان‌تر عملیات یکپارچه‌سازی را به دنبال خواهد داشت. متأسفانه شواهد ناچیزی از چنین تلاش‌هایی برای توسعه مدل‌های یکپارچه‌سازی و سازه‌های مؤثر بر فرآیند پذیرش آن در کشورهای در حال توسعه دیده می‌شود. این پژوهش تلاشی برای تبیین مدل و تشریح فرآیند تصمیم یکپارچه‌سازی اراضی است.

مروری بر مطالعات انجام شده در زمینه یکپارچه‌سازی اراضی

از دیرباز یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی، در ارتباط با تغییر اندازه زمین، یکی از سیاست‌های مؤثر در نظر محققان بوده و همواره عقاید مختلفی ابراز شده است. در اروپای غربی، فرانسه اولین کشوری است که برای تشکیل گروه‌های زراعت جمعی در سال ۱۹۶۲ قانونی را به تصویب و اجرا گذاشته است که هدف اصلی آن تشکیل گروه‌هایی برای ایجاد ساختار کشاورزی مناسب بر اساس یکپارچه‌سازی و نوسازی مزارع در جهت اقتصادی کردن بهره‌برداریهای دهقانی بوده است (اسکان، ۱۳۶۴). در ایتالیا نیز به منظور نوسازی بهره‌برداریهای دهقانی و کاربرد فناوری، مبادرت به تشکیل نوعی زراعت جمعی در چارچوب شرکتهای تعاونی شد که در نتیجه این امر تعداد قطعات مزروعی از ۱۰۲۴۴ قطعه به ۱۵۸۸ قطعه رسید (گالسکی، ۱۳۶۱). در کانادا نیز فرآیند یکپارچه‌سازی اراضی با تصویب قانون بازسازی و توسعه کشاورزی در سال ۱۹۶۵ مورد توجه قرار گرفت و در ایالت انتاریو به علت پراکنش و خرد بودن شدید اراضی زراعی و فقر شدید روستاییان از اولویت خاصی برخوردار گردید. در ژاپن نیز سازماندهی مجدد فضایی اراضی زراعی و تغییر ساختار کشاورزی که از قرن هفدهم آغاز شده است در سه مرحله تاریخی (دوره توکشی ژوا^{۵۵}، دوره اصلاحات میجی^{۵۶} ۱۸۷۶، دوره تصویب قوانین مربوط به یکپارچه‌سازی اراضی ۱۹۶۳) مراحل تکوینی و تکاملی خویش را با توجه به نیازهای جامعه، ساختار حکومت و سیاست‌های دولت، پشت سر گذارده است (افتخاری، ۱۳۷۵).

54. land consolidation

55. Takeshi Zhou

56. Meiji

برنامه‌های یکپارچه‌سازی در اروپای غربی همگام با رشد و توسعه نظام سرمایه‌داری در راستای صنعتی شدن ضروری تشخیص داده شد. در اروپای غربی فرآیند یکپارچه‌شدن با روشهای مختلف به صورت حرکتی فراگیر از قرن شانزدهم آغاز گردید و از جنگ دوم جهانی شتاب گرفت تا جایی که تا سال ۱۹۸۰ در اغلب این کشورها یکپارچه‌سازی انجام شد و در برخی از کشورهای اروپای غربی این فرآیند ادامه دارد. ایتالیا نیز از کشورهایی است که به منظور بهبود و نوسازی بهره‌برداریهای زراعی و کاربرد مکانیزاسیون کشاورزی در مقیاسی وسیع و اقتصادی، مبادرت به تشکیل نوعی زراعت جمعی در چارچوب شرکتهای تعاونی و کاهش قطعات مزروعی کرده است. این کشور در سال ۱۹۳۸ معضلات ناشی از قطعه قطعه بودن اراضی در واحدهای کوچک زراعی را تشخیص داده و با تصویب قانونی به نام حداقل اندازه مزارع^{۵۷} و در نظر گرفتن شرایط بومی هر روستا اقدام به یکپارچه‌سازی اراضی نموده است (Cesarini, 1978).

در سال ۱۹۶۳ در مصر، برای تحدید اراضی کوچک و پراکنده، زارعان مجبور شدند تا با تعویض قطعات زمین خود موافقت نمایند به شکلی که هر زارع دارای یک قطعه زمین در هر یک از قسمتهای تعیین شده، از طرف دولت گردد. در مصر به منظور یکپارچه‌سازی، واحدهای عملیاتی زراعی و نظام تناوب کشت در مقیاسی وسیع به کار رفته و حداکثر بازده محصولات، تضمین شده است، در این نظام هر زارع سهم خود را از سه قسمت مختلف دریافت می‌نماید که هر یک از آنها زیر کشت محصول مشخصی بوده و مساحت هر یک نیز متجاوز از ۶۰ آکر می‌باشد (Burton and King, 1982).

در مجارستان نیز به منظور تشکیل اراضی مناسب برای کشاورزی برنامه یکپارچه‌کردن نوبتی^{۵۸} در مراحل زمان‌بندی شده و منسجم، برای تجدید اراضی پراکنده انجام شد که این امر زمینه‌ساز توسعه تعاونیهای تولید کشاورزی در مجارستان گردید (Folders, 1978). در ایالت «اوتارپرادش»^{۵۹} هند نیز یکپارچه‌سازی اراضی در سال ۱۹۵۴ صورت پذیرفت که نیمی از هزینه عملیات یکپارچه‌سازی توسط دولت و مابقی با مشارکت روستاییان پرداخت گردید و یکپارچه‌سازی از طریق تهیه آمارهای مربوط به اراضی و نقشه روستاها، ارزیابی و طبقه‌بندی هر یک از اراضی و انجام پژوهشهای اجتماعی اقتصادی صورت پذیرفت. در این ایالت، طبق قوانین مربوط به ارث، اراضی موروثی قطعه قطعه شده و براساس تفاوت مرغوبیت، فاصله قطعات از یکدیگر روبه افزایش بوده است (Elder, 1962).

57. minimum farm unit

58. intermittent consolidation

59. Uttarpradesh

در کشور آفریقایی سودان نیز گردآوری و تجمع اراضی کوچک «زارعان خرده‌پا» به همراه سازمان دادن برنامه تناوب کشت و اتخاذ ترتیباتی در سطح استفاده از زمین از سیاست‌هایی بود که باعث یکپارچه‌سازی اراضی گردید و به جای قطعات پراکنده بلوک‌های یکپارچه^{۶۱} برای کشت محصولات مختلف در نظر گرفته شد (Collinson, 1988). «آگروال»^{۶۲} از مطالعات خود در هندوستان چنین نتیجه می‌گیرد که باید قوانین و مقرراتی برای یکپارچه‌سازی اراضی به تصویب و اجرا گذارده شود و مقررات کافی برای جلوگیری از پراکنش بیشتر اراضی تدوین گردد. در بیشتر کشورها این سیاست برای ترفیع استاندارد زندگی جمعیت روستایی از ضروری‌ترین امور بوده و برای انجام آن مشارکت روستاییان و ضمانت دولتی لازم است (مندرس، ۱۳۵۸). به طور کلی یکپارچه‌سازی اراضی عبارت است از اینکه اراضی پراکنده‌ای که در یک ناحیه تحت مالکیت یک یا چند مالک قرار دارد، به نحوی تغییر یابد که قطعات متعلق به هر یک از آنها پهلوی هم قرار گرفته و به صورت یکپارچه‌تر زیر کشت روند (Edwards, 1978).^{۶۵}

«ادواردز»، بر سازه‌هایی مانند تناسب نسبی اراضی، تعداد بلوک‌ها، فاصله بین بلوک‌ها، برای سنجش و ارزیابی پراکندگی اراضی اصرار دارد (Edwards, 1978).^{۶۳} «بخشوده» به نقل از «دنمن» بیان می‌کند که یکپارچه‌سازی اراضی، اصلاحی تکنیکی و فنی برای ساختار مجدد مالکیت زمین است که ماهیت حقوقی زمین یا مساحت آن تغییر نمی‌کند و تنها در ساختار مالکیت انفرادی واحدهای زراعی تغییر داده می‌شود (بخشوده، ۱۳۶۸). همچنین وی به نقل از «ژاکوبی»^{۶۷} برنامه‌های یکپارچه‌سازی را بسیار مهم‌تر از تخصیص مجدد قطعات زراعی و کاهش پراکندگی مفرط اراضی می‌داند، وی این برنامه‌ها را گامی در جهت بهبود کارایی منابع انسانی و بهره‌وری بهینه از زمین تلقی می‌کند (بخشوده، ۱۳۶۸).

یکپارچه‌سازی اراضی را می‌توان به لحاظ عاملان اجرایی آن، در دو طبقه کلی جای داد:

الف) یکپارچه‌سازی خودجوش؛

ب) یکپارچه‌سازی غیر خودجوش.

در یکپارچه‌سازی خودجوش عامل اصلی اجراء، کشاورزان ذی‌ربط هستند. در اینجا

60. land use-level

61. solid blocks

62. Agarwal, 1966

63. propration of holding relative

64. number of blocks

65. the distance of block of land

66. Denman

67. Jacoby

اصولاً مسئله به وسیله خود کشاورزان مطرح می شود و سایر اقدامات اعم از سازماندهی، ترغیب دیگران، جلب مشارکت افراد مرتبط در مراحل مختلف کار و روشهای مناسب یکپارچه سازی نیز با اتکاء بر نیروهای داخلی روستا انجام می گیرد. این نوع از یکپارچه سازی پس از اصلاحات اراضی در برخی از روستاهای کشور به اجرا در آمده است، هر چند که به یکپارچگی اراضی کامل روستا منجر نشده است (حیدری و نیازی، ۱۳۷۳).

«ووگ»^{۶۸} در این مورد معتقد است که از مؤثرترین عوامل ناکامی، که دولت‌تهدار «سازماندهی اجتماعی» به آن رسیده اند، این بوده که همواره خواسته اند جهت ایجاد مشارکت، یک تشکیلات جدید و رسمی را در جامعه روستایی پیاده کنند و اصل را بر این گذاشته اند که این نهادها وجود ندارند، غافل از اینکه تشکلهای غیر رسمی زیادی در بین روستاییان وجود دارد که برای آن احترام فراوان قائل بوده و مرجع تصمیم‌گیریهای فراوانی در سطح روستايند. مسئله بعدی دیدگاه دولت است در مورد قرار داشتن این مشارکتها در محدوده و چارچوب رسمی آیین نامه‌ها و بخشنامه‌ها و مشکل بعدی اینکه در پی ریزی یک سازمان، ضمن رسمی بودن آن تنها به ابعاد ظاهری آن توجه می شود بدون آنکه دانسته شود محتوی آن تا چه اندازه بر نیازها و خواسته‌های روستاییان تکیه دارد و تا چه اندازه در آنان مؤثر واقع می شود و در نهایت اینکه وقتی یک تشکیلات رسمی سازماندهی می شود، مجریان در پی استاندارد کردن شرایط اند و به جای گرایش مردم، بیشتر گرایشهای دولت است که نهادهای روستایی را سوق می دهد (بخشوده به نقل از ووگ، ۱۳۶۸). بنابر نظر «فیشر» و همکارانش اگر قرار است یک سازمان رسمی امر مشارکت روستاییان را جهتدهی کند، آن را باید بر روی سازمانهای محلی که پایه‌ای مطمئن محسوب می شوند پیوندزند (Fisher et al., 1993).

«ووگ» با خلق مفهوم «تصمیمات مشارکتی» به دو نوع مشارکت اشاره می کند؛ یکی مشارکت «ارگانیک» که به نوعی مشارکت خود جوش، طبیعی و متکی به «دانش بومی» اطلاق می شود و دومی مشارکت «مکانیکی» که به نحوه‌ای از مشارکت برنامه ریزی شده و در قالبهای انگیخته معمول برمی گردد. «بودن» معتقد است که مشارکت در تصمیم‌گیریهای جمعی، اعضاء را از میزان تعهدشان نسبت به جمع آگاه می کند (Bawden, 1986). همچنین یافته‌های «ایگودان» و «ایکپیر» و مطالعات «حسین» و «کروچ» نیز نشان می دهد مشارکت اجتماعی در تصمیم‌گیریها، از مؤثرترین سازه‌های تحقیق، در پذیرش فناوریهای زراعت برنج محسوب می شود (Igodan and Ekperere, 1988; Hossain and Crouch, 1962). در یکپارچه سازی غیر خودجوش نقش عوامل غیر بومی بسیار تعیین کننده است اما در

اقداماتی که به ویژه طی دو دهه اخیر در زمینه یکپارچه‌سازی اراضی کشور صورت گرفته است، نقش عوامل بیرونی (دولتی) برجسته بوده است.

مروری بر یکپارچه‌سازی اراضی در ایران

برخی از محققان معتقدند که ایران دارای پیشینه‌ای بسیار قدیمی از نظر به‌کارگیری روشهای یکپارچه‌سازی اراضی و تشکیل گروههای زراعت جمعی است و روستاییان الگوهای متفاوتی را در این زمینه تجربه کرده‌اند که با توجه به درجه آگاهی، احساس نیاز، میزان مشارکت و تمایل و رغبت کشاورزان در طول تاریخ به کار گرفته شده است، این الگوها عبارت‌اند از:

۱- نهادهای سنتی (بنه، صحرا، حراثه و ...) ۲- شرکتهای تعاونی تولید ۳- شرکتهای سهامی زراعی ۴- کشت و صنعتها ۵- قطبهای کشاورزی ۶- مشاعهای روستایی ۷- معاوضه و جابه‌جایی قطعات در سطح بهره‌برداران (حیدری و نیازی، ۱۳۷۳).

بعد از اصلاحات اراضی در ایران، از آنجا که زارعان در بسیاری از روستاها از مزایای کار دسته جمعی با خبر بوده‌اند، اقدام به تشکیل گروههای کار و بهره‌برداریهای دسته‌جمعی کرده‌اند (خسروی، ۱۳۵۸). از جمله تشکیل واحدهای «حباتی» که نوعی نظام کشت یکپارچه و شرکتی در میان بهره‌برداران دهقانی در چهارمحال بختیاری است که با یکپارچه شدن کل اراضی ده و از میان رفتن مرزها همراه است و تأثیر پذیری آنها از روستاهای دستگرد و قلعه سلیم که قبلاً به یکپارچگی اراضی مبادرت کرده بودند، نشان‌دهنده تأثیر پذیری روستاییان از الگوهای کشت موفق می‌باشد (وزارت کشاورزی، ۱۳۶۸). در روستای فردیس نیز دهقانان با تشکیل گروههای هم‌آب و تعویض و فروش یا معاوضه قطعات خود مبادرت به یکپارچه‌سازی اراضی در داخل نسق خود کرده‌اند و از تعداد قطعات خود کاسته‌اند (ازکیا، ۱۳۵۵).

تفکر یکپارچه‌سازی اراضی بعد از اصلاحات اراضی در بعضی از نقاط روستایی ایران صورت تحقق به خود گرفته بود، مانند قریه اندلان در اصفهان که در سال ۱۳۴۲ و بلافاصله بعد از اصلاحات اراضی جهت تحدید مالکیت اقدام به یکپارچه‌نمودن اراضی خود نمودند. همچنین نتایج تحقیقات حاصل از یکپارچه‌سازی اراضی در بخش توره اراک نشان می‌دهد که در هیچ‌کدام از روستاهای فوق زارعان تمایلی به برگرداندن اراضی خود به حالت قبل از یکپارچه‌سازی نداشته و از مجموع عملیات اراضی بوده‌اند. در قریه کوربلاغ باختران نیز زارعان به دلیل مشکلات مربوط به پراکندگی اراضی خود که در ۴۰ نقطه روستا پخش گردیده بود، با همکاری مراکز خدمات روستایی اقدام به هم‌پیوستن اراضی خود در ۱۰ نقطه

نمودند و از این اقدام خود بسیار خرسند بوده‌اند. این تجارب در قریه خان‌آباد و کوندج قزوین نیز به طور موفقیت‌آمیزی تکرار شد (الیاسیان، ۱۳۶۵).

«ازکیا» در این زمینه اعتقاد دارد یکی از راهبردهای مهمی که تأثیر عمده‌ای در تجدید سازمان ساخت اجتماعی اقتصادی مناطق روستایی به جامی گذارد، اصلاحات اراضی است که مستلزم مداخله دولت به منظور ارائه دگرگونیهای عمده در وضع اجاره‌داری یا مالکیت زمین است. این برنامه‌ها بر اساس میزان و شدت سلب مالکیت از مالکان و توزیع مجدد زمین میان دهقانان به چهار گروه تقسیم می‌شود:

۱- اصلاحات ارضی از نوع معتدل که شامل تغییرات در قوانین حاکم بر روابط بین مالک و زارع و نیز اعتبارات روستایی است، یکپارچه‌کردن اراضی و برنامه‌های عمران روستایی را به دنبال دارد.

۲- سلب محدود مالکیت توسط دولت که باعث کنترل اجاره یا تقلیل آن شده و منجر به یکپارچه کردن اجباری اراضی و تدوین قوانینی به منظور جلوگیری از خرد شدن زمین و محدود کردن میزان مالکیت می‌گردد.

۳- برنامه‌های سلب مالکیت که ضمن آن تمام یا قسمتی از اراضی مالک توسط دولت سلب و بین زارعان کم‌زمین و کارگران زراعی تقسیم می‌شود یا دولت خود مستقیماً به ایجاد واحدهای زراعی اقدام می‌کند.

۴- برنامه‌های اشتراکی کردن مزارع که طی آن دولت سعی دارد که افراد تا حد ممکن به طور داوطلبانه به مزارع تعاونی بپیوندند و در غیر این صورت به اجبار مزارع را به صورت اشتراکی زیر کشت می‌برد (ازکیا، ۱۳۵۵).

سطوح مختلف و ابعاد اجرایی یکپارچه‌سازی اراضی

یکپارچه‌سازی اراضی را از نظر سطوح مختلف و ابعاد اجرایی آن نیز می‌توان به چند دسته تقسیم کرد که عبارت‌اند از: یکپارچه‌سازی کامل^{۶۹} در سطح خانوار؛ در این نوع یکپارچه‌سازی، قطعات پراکنده تحت تملک خانوارها با تعویض و جابه‌جایی مکرر قطعات آن چنان کاهش می‌یابد تا در نهایت به یک قطعه یکپارچه برای هر خانوار تبدیل شود. این نوع یکپارچه‌سازی با توجه به شرایط طبیعی و توپوگرافی زمین (پستی و بلندی، جنس خاک و غیره) و همچنین نوع اراضی و کاربری آن (آبی، دیم، باغ) به ندرت در روستاهای ایران اتفاق افتاده است. در تحدید قطعات پراکنده^{۷۰} ممکن است فقط چند خانوار یا حتی

69. perfect land consolidation

70. decreasing of land fragmentation

کلیه خانوارهای زمین‌دار یک روستا تعدادی از قطعات یا حتی تمام قطعات تحت تملک خود را به نحوی با هم معاوضه یا مبادله نمایند که میانگین تعداد قطعات هر یک از آنها تا حد زیادی کاهش یابد، به طوری که زمین هر خانوار به چند قطعه بزرگ‌تر تبدیل شود (Mather, 1986). این شکل از یکپارچگی در روستاهای ایران متداول‌تر است، اما چون علی‌رغم کاهش تعداد قطعات زمین هر خانوار، یکپارچگی کامل تحقق نمی‌یابد اصطلاحاً ناقص^{۷۱} یا تحدید قطعات نامیده می‌شود. در ادغام اراضی^{۷۲} گاهی ممکن است مرزهای بین قطعات اراضی برداشته شود و تعدادی از بهره‌برداریهای کوچک، بهره‌بردار بزرگ‌تری را به وجود آورند. این نوع یکپارچه‌سازی به شیوه‌های مختلفی وجود دارد و در برخی از آنها کلیه مراحل تولید و حتی فروش محصولات به صورت گروهی و تعاونی انجام می‌گیرد (بافکر، ۱۳۶۶).

«هالت» اعتقاد دارد که یکی از روشهای به کار رفته برای رفع مسائل ناشی از پراکندگی اراضی در انگلستان ادغام مزارع بوده است. وی معتقد است که این روش چندان نیازی به دخالت دولت ندارد زیرا این امر بیشتر در نتیجه فشارهای اقتصادی صورت می‌گیرد (Hallet, 1971). از بین اشکال مختلف یکپارچه‌سازی اراضی که مورد بررسی قرار گرفت، نوع خاصی از آن یعنی «یکپارچه‌سازی قطعات اراضی تحت بهره‌برداری زارعان یا اصطلاحاً یکپارچه‌سازی نسق زارعان» مورد توجه این پژوهش است. این نوع یکپارچگی می‌تواند به صورت خودجوش یا با دخالت دولت به اجرا درآید، به علاوه زمین تحت بهره‌برداری (یا مالکیت) بهره‌بردار می‌تواند به صورت یک قطعه (یکپارچه‌سازی کامل) یا چند قطعه (اما کمتر از تعداد آنها قبل از عملیات یکپارچگی) باشد. قوی‌ترین جنبه برنامه یکپارچگی اراضی ساختار سازمانی آن است که به طور وسیعی با شرایط اجتماعی، اقتصادی، بومشناختی، فرهنگی و جامعه روستایی و مسائل روانی دهقانان ارتباط دارد. اجرای این برنامه‌ها بر اساس جبر یا اختیار بستگی به جنبه‌های تاریخی، اجتماعی، اقتصادی منطقه داشته ولی تا حد امکان باید جنبه مشارکتی و اختیاری داشته باشد. برخی از محققان معتقدند که حرکت به سوی یکپارچه کردن قطعات زراعی نیازی به قانون جدید ندارد، بلکه مستلزم تدبیر سیاستها و تمهیداتی است که انگیزه لازم برای تن در دادن کشاورز یا کشاورزان ناموافق به این کار مهم را تسهیل نماید (شهبازی، ۱۳۶۷).

«بخشوده» به نقل از «ژاکوبی» معتقد است که اجرای موفق یکپارچه‌سازی بستگی به جلب رضایت شرکت‌کنندگان داشته و توسل به اجبار رضایت‌بخش نخواهد بود. وی به نقل

71. imperfect land consolidation

72. land amalgamation

از این محقق بیان می‌کند که در بعضی از کشورهای آفریقایی اجبار چندان مسئله‌ای را ایجاد نمی‌کند و حتی در بعضی از کشورهای اروپایی غربی مثل فرانسه، اجبار جزئی از برنامه است، اما در کشورهای مثل هند و سوئیس که اجرای پروژه‌های یکپارچه‌سازی بستگی به جلب رضایت شرکت کنندگان دارد، نمی‌توان به زور متوسل شد (بخشوده، ۱۳۶۸). برخی پژوهشگران اعتقاد دارند برای رفع پراکندگی اراضی دخالت دولت ضروری است، تازارغان قطعات خود را مبادله نموده و به منظور جبران تفاوت‌های ناشی از مرغوبیت اراضی، دولت می‌تواند مقدار بیشتری زمین نامرغوب را در قبال مقدار کمتری زمین مرغوب مبادله نموده یا برای این منظور از طریق پرداخت غرامت عمل کند (Najafi and Bakhshoodeh, 1992).

در قوانین فرانسه مشارکت و کار گروهی در بهره‌برداریهای کشاورزی بیشتر مورد حمایت دولتی قرار گرفته است. برای این نوع بهره‌برداریها اشکال مختلفی وجود دارد مانند: تعاونیهای استفاده مشترک از ابزار کشاورزی،^{۷۳} گروه کشاورزی بهره‌برداریهای اشتراکی،^{۷۴} جوامع کشاورزی دسته‌جمعی.^{۷۵} همچنین در این کشور مرکزیتی به نام مرکز ملی بهبود ساختاری بهره‌برداریهای کشاورزی،^{۷۶} فعالیتهای مربوط به انتقال بهره‌برداریها از کشاورزان مسن به کشاورزان جوان را به عهده دارد. در فرانسه مسئولان کشاورزی برای اعمال و اجرای منویات برنامه‌ریزان توسعه کشاورزی دو وسیله در اختیار دارند: ۱- مداخله ۲- بازرسی که به موازات هم به کار برده می‌شود. در زمینه مداخله، مرکزی تحت عنوان شرکت برنامه‌ریزی اراضی و دایر نمودن روستاها با کمک مسئولان محلی، اراضی را خریداری نموده و به بهره‌برداران واجد شرایط می‌فروشند. چنین سازوکاری این امکان را به وجود می‌آورد که وسعت بهره‌برداریهای کشاورزی افزایش یابد و با جلوگیری از پراکنش اراضی موجبات افزایش تولید فراهم آید. مرکز این اختیار را دارد که از فروش بی‌مورد اراضی که موجب پراکنده شدن آنها می‌شود جلوگیری کند. بازرسی نیز با این هدف انجام می‌گیرد که اندازه بهره‌برداریها مطابق با استانداردهای تعیین شده توسط برنامه «توسعه ساختها» باشد. در هر حال نتایج بسیاری از تحقیقات نشان داده است که شواهد زیادی مبنی بر اینکه کشاورزان در خصوص رفتارشان هنگام تصمیم‌گیریها، تحت فشارهایی از جانب حاکمیت سیاسی به طور مستقیم یا غیرمستقیم قرار داشته‌اند، وجود دارد (Napier et al., 1984).

73. CUMA

74. GAEC

75. SICA

76. CNASEA

77. SAFER

یکپارچه سازی اراضی، خصوصاً در روستاهای کوچک با کشمکشهای فراوان همراه است، چون وابستگی به زمینهای کشاورزی در چنین جوامعی بسیار زیاد بوده و زارعان به سادگی حاضر نمی شوند قطعات خود را معاوضه نمایند (خسروی، ۱۳۵۸). «شتی» اعتقاد دارد برای توفیق بیشتر در زمینه پذیرش یکپارچه سازی اراضی از سوی روستاییان باید حداقل مساحت زیر کشت^{۷۸} که بتواند در آمد مناسبی را برای زارع فراهم نماید، مورد توجه قرار گیرد (Shetty, 1963). از سوی دیگر وقتی تفاوت شدیدی بین حاصل خیزی خاکها در مناطق مختلف یک روستا وجود داشته باشد یا بعضی از اراضی دارای منابع آب مثل چاه باشند تعویض اراضی به سادگی امکان پذیر نخواهد بود. «شتی»، از تحقیقات خود چنین نتیجه می گیرد که گسترش اندازه قطعات و کاهش تعداد آنها موجه ترین دلیل برای سودمند بودن برنامه یکپارچگی اراضی در یک ناحیه می باشد، اما برای موفقیت بیشتر، منافع یکپارچه سازی اراضی باید به صورتی مستمر به روستاییان نشان داده و مرتباً بازگو شود. وی معتقد است که گردآوری و تجمع اراضی کوچک همراه با سازمان دادن برنامه تناوب کشت یکی از سیاستهایی است که باعث یکپارچه شدن اراضی می گردد.

«ملکانیان» معتقد است که در هر یک از مناطق روستایی ایران یکپارچه سازی بهره برداریهای زراعی باید با توجه به موقعیتهای خاص اقتصادی هر منطقه با در نظر گرفتن دشواریهای آبیاری مزارع، ضعف نظام اداری و ویژگیهای تنوع کشت تعیین گردد و راههای رسیدن به اراضی با مقیاسهای اقتصادی هموارتر گردد؛ همچنین تعیین واحدهای مورد نظر در هر ناحیه باید منطبق با شرایط اقلیمی، جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و در ارتباط با میزان اراضی و نوع آن، نوع زراعت و میزان بهره وری و شیوه تولید، چگونگی توزیع جمعیت و سطح اشتغال در منطقه و امکان ارتباط فعالیتهای زراعی و دامی با صنایع وابسته کشاورزی، صورت گیرد (ملکانیان، ۱۳۶۵).

«شهبازی» در معرفی راههای عملی و امکان پذیر برای یکپارچه سازی اراضی ضوابطی مانند فاصله روستا تا مرکز شهرستان و بخش و وضع راههای ارتباطی آنها، نحوه شمول قانون اصلاحات ارضی در مراحل اجرایی مختلف، مقدار زمین زارع در نسق بندی زراعی روستا، منبع یا منابع آب زراعی، آبی یا دیمی بودن اراضی، وضع کلی زمینها از لحاظ دشتی یا کوهستانی بودن و فعالیتهای تولیدی غالب در بین روستاییان را در نظر می گیرد. وی معتقد است که تحقق یکپارچگی مستلزم ترویج مزایای یکپارچگی و شیوه های انجام آن

78. standard area

79. grouping of small holdings

80. group rotation

است. درک مزایای یکپارچگی توسط روستاییان از طریق برنامه‌های آموزشی، انگیزه مهمی در حرکت به سوی آن است، ولی این کافی نیست، انگیزه‌های حمایتی می‌تواند مکمل این کار باشد. واحدهای مسئول توسعه روستایی می‌توانند انگیزه‌های مفید، مشروع و مؤثری از طریق اعطای امتیازات خاص برای داوطلبان امر یکپارچگی تدارک و در طول برنامه‌های ویژه پیگیری نمایند. همچنین برای نیل به این امر، ایجاد تفاهم و جلب نظر و موافقت رهبران فکری جامعه و تفهیم ابعاد فنی، اقتصادی و اجتماعی قضیه پراکندگی از ضروریات است. او دلایل پراکندگی اراضی را در روستاهای کشور به چهار دسته تقسیم می‌کند:

۱- علل و عوامل مربوط به وضع اراضی و کیفیت خاک زراعی؛

۲- علل و عوامل مربوط به تقسیم حق نسق بین وارثان؛

۳- دلایل مربوط به اعمال نفوذ مالکان؛

۴- علل و عوامل مربوط به انجام معاملات ملکی در گذشته و حال.

تعدادی از محققان دلایل پراکنش اراضی با موانع پذیرش آن از سوی زارعان را از یک مقوله دانسته و آن را به دو دسته طبیعی و جغرافیایی (رودخانه، سیل، تپه، کوه، چشمه، دریاچه) و اجتماعی اقتصادی (عادت، سنن، عرف، قوانین ارث، اصلاحات ارضی، خرید و فروش، امنیت و ...) تقسیم می‌کنند (شهبازی، ۱۳۶۷).

«نجفی»، عوامل و انگیزه‌هایی که در یکپارچه‌سازی نقش دارند را چنین بیان می‌کند: آب، زمین، نیروی کار، کاهش هزینه‌ها، افزایش بازده، استهلاک ماشین، نهاده‌های کشاورزی، منزلت اجتماعی، استفاده از امکانات دولتی، خرید و فروش. از نظر این محقق مهم‌ترین عوامل اجتماعی که در پراکندگی اراضی مؤثر بوده‌اند، قوانین مربوط به ارث، توزیع زمین بین وراث، خرید و فروش زمین زراعی و سیاست‌گذاریهای دولت در توزیع زمین بین افراد بوده است (Najafi, 1982). «سزایینی» مهم‌ترین عوامل مؤثر در پراکندگی اراضی را تنوع سکونتگاه‌های روستایی، الگوی اسکان^{۸۱}، صنایع و ساختمانهای تأسیس شده، تغییرات در شیوه‌های بهره‌برداری جمعی، پلها و مجراهای صنعتی می‌داند، وی معتقد است که در سالهای بحران، در ایتالیا به علت تقاضای زیاد زارعان برای زمین و نیز بالا بردن درآمد در بخش کشاورزی بسیاری از اراضی قطعه قطعه شدند (Cesarini, 1978).

«لهسائی زاده» دو دلیل برای عدم گرایش دهقانان خرده پایه یکپارچگی اراضی و اشتراک منافع با سایرین ذکر می‌کند. ۱- حس مالکیت و تعلق خاطر هر دهقان به قطعه زمین و حقایقه‌ای که دارد که علی‌رغم درآمد ناچیز آن برای دهقان، موجب ایجاد دلبستگی و انس

شدیدی در او می شود و به سادگی قادر به چشم پوشی از این تعلق خاطر انحصاری و فردی نخواهد بود. ۲- افزایش شدید بهای اراضی روستایی طی سالیان بعد از انقلاب. بورس سرسام آور افزایش قیمت زمین باعث شده تادهقانان خرده پا به قطعه زمین خود نه به عنوان منبع تولید کشاورزی بلکه به مثابه سرمایه ای رشد یابنده که در حال ترقی در بورس قیمت است بنگرند، لذا از هر گونه اشتراک با سایرین که این مالکیت را محدود بسازد، استقبال نمی کنند (لهسایی زاده، ۱۳۷۲).

مطالعات «ادواردز» نیز بیانگر این نکته است که بعد از جنگ دوم جهانی در سراسر اروپا تمایل شدیدی در جهت قطعه قطعه کردن اراضی وسیع به وجود آمد که ناشی از سطح بالای درآمد کشاورزی در طول آن سالها و فشارهای تورمی پس از جنگ بود که زارعان را مجبور ساخت به دلیل تقاضای زیاد برای زمین و قیمت بالای آن و همچنین به عنوان جبران مشکلات مالی در سالهای بحران، اراضی را به صورت قطعات کوچک مورد بهره برداری و خرید و فروش قرار دهند (Edwards, 1978). بحرانی که کشور ما نیز پس از تجربه انتقال حاکمیت سیاسی و دگرگونی ریشه ای آن به وسیله انقلاب اسلامی و تحمیل جنگ، در مدت کوتاهی بعد از انقلاب، آن را تجربه کرده است.

«لهسایی زاده» معتقد است که اقشار پایینی دهقانان مستقل به علت کوچکی زمین و پراکندگی آن به سازوکارهایی متوسل می شوند که یکی از این سازوکارها جابه جایی زمینهاست. این سازوکار بیشتر توسط آن دسته دهقانانی استفاده می شود که دارای اراضی پراکنده زیادی هستند. آنان با این عمل اراضی خود را یکپارچه کرده و تقریباً آن را به حد گذران معیشت می رسانند. از نظر او تشکیل تعاونیهای تولید روستایی، سازوکار دیگری است که زارعان با پشتیبانی وزارت کشاورزی قادر خواهند شد به یکپارچگی زمینها در سطح روستا برسند و تولیدی اقتصادی تر و در سطح بهینه داشته باشند. وی رواج نظام اجاره داری توسط دهقانان مستقل در اکثر روستاهای ایران را دلیل دیگری بر کوچکی و کافی نبودن اراضی دهقانان مستقل می داند و اعتقاد دارد که ترکیب تولید دهقانی مستقل با اجاره داری، شکل جدیدی از کشاورزی را در ایران به وجود آورده که تولیدکنندگان در واقع نه صرفاً دهقانان مستقل اند و نه مستاجر (لهسایی زاده، ۱۳۶۶).

یافته های تحقیق «زند رضوی» نشان می دهد که کوچکی و پراکندگی زمینهای دهقانان مستقل در ایران باعث گردیده تا دهقانان به مشاغل دوم و سوم روی آورند. در مجموع ما با کشاورزان چند پایگاهی روبه رو می باشیم. وی بیان می کند که هر چه مقدار زمین کاهش یابد بر تعداد قطعات آن افزوده می شود و هر چه مقدار زمین افزایش یابد فاصله دورترین دو قطعه آن اضافه می گردد (زند رضوی، ۱۳۶۹). «ازکیا» نیز به نقل از

«کائوتسکی»^{۸۲} اعتقاد دارد که هر چه زمین واحد بهره‌برداری دهقانی کوچک‌تر باشد وابستگی دهقانان به کار اضافی خارج از مزرعه نیز به همان اندازه بیشتر می‌شود (ازکیا ۱۳۶۹).

«شرفی» ماهیت امر یکپارچه‌سازی اراضی را مقوله‌ای آموزشی - ترویجی می‌داند؛ وی معتقد است که احساس نیاز زارعان به تحدید قطعات زراعی خود بزرگ‌ترین انگیزه و عامل موفقیت به شمار می‌آید (شرفی، ۱۳۶۶). افزایش جمعیت روستایی و تراکم غیر منطقی کشاورزان بر اراضی زراعی موجود، قوانین ارث و خرید و فروش زمینهای زراعی برای مقاصد غیر کشاورزی و فقدان سیاستی مشخص در مورد نظام زمین‌داری و مالکیت، وضعیت ناپایدار را در جامعه کشاورزی تقویت خواهد کرد (Mojtahed and Esfahani, 1989). مطالعات «بخشوده» در استان فارس نشان می‌دهد که پراکندگی اراضی عمدتاً از طریق سیستم بهره‌برداری از زمین و نحوه تقسیم آن بین زارعان به وجود آمده است. وی عقیده دارد که قبل از اصلاحات ارضی در چارچوب اراضی تحت نسق که دارای قطعات مرغوب و نامرغوب بوده، اراضی هر قطعه به نسبت حق نسق بین زارعان تقسیم شده و تعداد قطعات متعلق به هر زارع نیز تابعی از تعداد آنها در کل روستا بوده است. پس از اصلاحات ارضی تا شروع انقلاب اسلامی، در پاره‌ای از املاک که بین زارعان و مالکان تقسیم شده بود، نسق زراعی دچار دگرگونی‌هایی شده است. در واقع پس از جدا کردن حقوق مالکان از نسق زراعی زارعان به ناچار اراضی باقیمانده را به نسق قبلی خود تقسیم کرده‌اند. از طرفی چون این‌گونه تقسیمات توسط خود زارعان انجام گرفته است، اراضی سهم هر زارع به قطعات کوچک و با عرض بسیار کم تقسیم شده و همراه با آن سهمیه آب آنها نیز به همان نسبت تقسیم گردیده است. پس از انقلاب، سهم اراضی و در نتیجه حقایق زراعتی مالکان مجدداً کاهش یافته است. در این دوره زارعان و خوش‌نشینهای محلی به مالکان فشار آورده و آنان را مجبور به واگذاری اراضی تحت تملک خود کرده‌اند، این امر در برخی موارد نیز توسط هیئتهای واگذاری زمین صورت گرفته است (بخشوده، ۱۳۶۸).

«سیمونز» اعتقاد دارد که پایین بودن قیمت محصولات کشاورزی نسبت به سایر محصولات سبب کاهش در آمد نهایی در بخش زراعت می‌شود و به شکلی غیر مستقیم به پراکندگی اراضی کمک می‌نماید و یکپارچه‌سازی اراضی نیازمند هزینه‌هایی است و تا زمانی که در آمد کافی نصیب زارعان نگردد، وجوه لازم برای این کار تأمین نمی‌شود و زارعان به دلیل عدم در آمد کافی تمایلی در جهت یکپارچه‌کردن اراضی خود نشان

نمی‌دهند. به نظر وی کمبود امکانات زیربنایی در امر بازار رسانی و حمل و نقل و نیز در دسترس نبودن نهاده‌های تولید در مناطق روستایی باعث افزایش هزینه‌ها در سطوح مشخص تولید شده و به طور غیر مستقیم در مسیر یکپارچه‌سازی اراضی چالش ایجاد می‌نماید (Simons, 1983).

به نظر «طالب»، وجود قطعات متعدد زمین در نقاط مختلف روستا که عموماً دارای وضعیت و موقعیت طبیعی متفاوت‌اند، نوعی تأمین اقتصادی برای واحد بهره‌برداري ایجاد می‌نماید، خاصه زمانی که بهره‌برداري بر چند کشتی مبتنی باشد. یعنی وقوع سیل، سرمازدگی یا آفات دیگر طبیعی همه حاصل روستایی را تهدید نمی‌کند، زیرا در صورت وقوع حادثه طبیعی برای برخی از زمینها، قطعات دیگر زمین که در شرایط به نسبت متفاوتی قرار دارند، بخشی از محصول واحد بهره‌برداري را تأمین می‌کنند. روی هم رفته در نظام کشت سنتی، تعداد و پراکندگی قطعات اراضی از نظر اقتصادی، تأمین نسبی برای زارع فراهم می‌آورد و ریسک را کاهش می‌دهد. به عقیده این محقق ماهیت بازار زمین نیز در پراکندگی آن مؤثر می‌باشد مثلاً در فرانسه به دلیل ماهیت بازار زمین، خرید و فروش آن به صورت قطعه‌قطعه بوده است، زیرا تقاضای زیاد برای زمین سبب شده که فروش قطعات کوچک هر مزرعه، دارایی بیشتر را برای فروشنده فراهم نماید (طالب، ۱۳۶۷). برخی محققان معتقدند از عواملی که بر اندازه و ساختار مزرعه اثر می‌گذارد، ریسک است. «روتان» این فرضیه را مطرح می‌کند که اندازه بهینه مزرعه هم‌زمان با افزایش ریسک کاهش می‌یابد و همچنین «بینزوانگر»^{۸۳} با بررسی بیمه مزارع کوچک نتیجه می‌گیرد که در مناطق کشاورزی که ریسک بالایی وجود دارد (مثلاً این ریسک از وضعیت هوا ناشی می‌شود) واحدهای تولیدی خرد بیش از واحدهای زراعی بزرگ رواج می‌یابد (Jonston and Ruttan, 1994). بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که برای از بین بردن پراکندگی اراضی و آثار سوء آن فعالیت‌های گروهی و دسته جمعی مؤثرترین روش است و ضمن آنکه مالکیت جمعی^{۸۴} را وسیله‌ای برای جلوگیری از تأثیرات پراکندگی می‌دانند، معتقدند اگر مالکیت جمعی به منظور اجرای یکپارچگی اراضی به کار رود سهم هر زارع از کل اراضی در این نظام معلوم و کلیه امور مربوط به زراعت توسط تمامی زارعان و به طور گروهی انجام می‌گیرد (Meer, 1975).

«بخشوده» به نقل از «ژاکوبی» بیان می‌دارد که فعالیت‌های گروهی اقدامی در جهت

83. Binswanger

84. joint ownership

جلوگیری از پراکندگی به شمار می‌رود. وی به نقل از «دنمن» معتقد است که اگر چه به طور فنی و تکنیکی تشکیل تعاونیهای زراعی مترادف با یکپارچه‌سازی اراضی نیست، ولی به نحوی اشاره به آن دارد (بخشوده، ۱۳۶۸). از نظر «طالب»، عواملی که در یکپارچه‌سازی اراضی تأثیر داشت عبارت‌اند از: آثار طبیعی ناشی از انقلاب صنعتی در کشورهای اروپایی (که در مدتی کمتر از یک قرن، منجر به گسیل بخش مهمی از جمعیت روستایی به سوی شهرها شد)، روند تاریخی صنعتی شدن و مهاجرت روستاییان خصوصاً جوانان بدون دخالت دولت یا سازمانی بیرون از جامعه (طالب، ۱۳۶۷). یافته‌های پژوهشگران نشان می‌دهد که یکپارچگی اراضی، افزایش تولید و افزایش درآمد مناسبی را برای کشاورزان به همراه داشته (Edwards, 1978)، هر چند در ابتدای امر سهم بیشتری از این درآمد صرف بهبود شرایط زندگی و رفاه خانوار گردیده است. و مهم‌تر از این مسئله، انگیزه‌ها و آرزوهایی است که در اثر افزایش تولید و درآمد، فرصت تحقق پیدا کرده‌اند. به عبارت دیگر سودآوری فعالیت‌های کشاورزی زمینه‌مناسبی را برای مطرح شدن نیازهای تولیدی و زندگی روستاییان فراهم ساخته و سمت و سوی جدیدی برای رفع این نیازها پدید آورده است. در این جهتگیری دو رویکرد متفاوت قابل تشخیص است: یک رویکرد مبتنی بر فعالیت‌های مجزا و مستقل و رویکرد دیگر مبتنی بر فعالیت‌های اجتماعی و متشکل. تجلی رویکرد اول در فعالیت‌های تولیدی کشاورزی و مدیریت مزرعه دیده می‌شود و انعکاس رویکرد دوم را در امور رفاهی و عمران روستایی می‌توان دید (حیدری، ۱۳۶۹). «الیاسیان» معتقد است که یکی از مزایای یکپارچه‌سازی این است که بعد از اجرای عملیات، حدود مالکیت هر زارع دقیقاً مشخص می‌گردد و در نتیجه زارع با پشتکار و دلگرمی بیشتر به آباد کردن اراضی تحت مالکیت خود اقدام می‌نماید و چنانچه بعضی از زارعان به دلایل گوناگون قادر به باقی ماندن بر روی زمین نباشند به سادگی می‌توانند مالکیت خود را با اولویتهایی که پیش‌بینی خواهد شد، به زارعان هم‌جوار خود منتقل نمایند و در نتیجه اراضی بی‌شماری به زیر کشت خواهد رفت (الیاسیان، ۱۳۶۵).

«زاهدی» به نقل از اقتصاددانان لیبرالی نظیر «راینز» و «جانستون» و اقتصاددان مارکسیستی چون «ژانوری» بیان می‌کند که دو گونه‌گی^{۸۸} به معنی وجود تعداد کمی از واحدهای کشاورزی وسیع و بزرگ در کنار تعداد زیادی از زارعان خرده‌پا با واحدهای بهره‌برداری کوچک و پراکنده است که حتی اگر هم بازدهی کشاورزی رشد سریعی داشته باشد، موجب پایداری فقر در مناطق

85. Rains

86. Jonston

87. Dejanvery

88. bimodalism

روستایی می‌شود. همزیستی این گونه نظامهای زمینداری همراه با رشد سریع جمعیت در روستاها به افزایش نابرابریها، تنزل محیط زیست، شدت گرایش مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ و افزایش بیکاری در مناطق روستایی می‌انجامد (زاهدی، ۱۳۷۴). همچنین «لهسایی زاده» در بررسی نظریات مهاجرت با اشاره به مطالعات «شاو» در ارتباط با مهاجرت روستایی در هندوستان و چند کشور آمریکای لاتین، همبستگی مثبت بین خرد بودن اراضی در نتیجه توزیع نابرابر زمین و پراکنش آنها با برون کوچی از روستاها را تأیید می‌کند (لهسایی زاده، ۱۳۶۸). «افتخاری» نیز با توجه به نتایج پژوهشهای به دست آمده از پراکنش و یکپارچه‌سازی اراضی ایران در سال ۱۳۷۱ و استناد به نتیجه تحقیقات «زهیر» (۱۹۷۵) و «فیلیپ اولدن برگ»^{۸۹} (۱۹۹۰) در هندوستان؛ یکپارچه‌سازی اراضی را سبب تغییر الگوی کشت و کاهش فقر، توان تصمیم‌گیری و مشارکت، افزایش فرصتهای جدید برای سرمایه‌گذاری و در نهایت تغییر جو روستاها و دستیابی به توسعه روستایی می‌داند (افتخاری، ۱۳۷۵).

یکپارچه‌سازی اراضی تحت پوشش طرح توسعه حوزه آبریز رود هراز را می‌توان نوعی ترکیب فعالیت‌های ترویجی با دیگر فعالیت‌های مختلف توسعه در نظر گرفت که به قول «وان دن بن» و «هاوکینز» مسیر توسعه را سهل تر کرده و کاتالیزور مسیر به حساب می‌آیند (VanDenBan and Hawkins, 1988). همچنین یکی از اهداف این طرح ایجاد انجمن مکانیزاسیون در روستاهایی می‌باشد که در آنها یکپارچگی اراضی صورت گرفته است. این گونه خدمات، زارعان را برای مشارکت در خدمات ترویجی و آموزشی بسیج کرده و نوعی نظام مشترک و تلفیقی را زیر نظر دولت و انجمنهای زارعان به وجود می‌آورد. «کرمی» و «فناپی» به نقل از «لیون برگر»^{۹۰} و «چانگ»^{۹۱} بیان می‌دارند که نوع تشکیلات اخیر بهترین گزیدار برای توسعه برابر و پویا در کشورهای جهان سوم است (کرمی و فناپی، ۱۳۷۳). ارائه فناوری نهادی از سوی نهادهای ترویجی، شالی‌کاران را برای سازمان‌یابی در انجمنها، اتحادیه‌ها و دیگر اشکال فعالیت‌های تعاونی یاری می‌دهد و زمینه‌های روانی و فنی را برای افزایش بازده تولید، بهینه‌سازی و رسیدن به توسعه پایدار فراهم می‌آورد. به وجود آمدن کمیته‌ها و انجمنها و خلق مهارتها به وسیله مشارکتهای توده‌ای می‌تواند مهم‌ترین امر در خلق تغییرات در اجتماع روستایی بوده و به نحو بارزی منشأ ثمر باشد. تصمیمات جمعی سبب می‌شوند تا تحرکات اجتماعی حول محور مسائل و مشکلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دور زند و

89. F. Oldenburg

90. Chang

91. Lionberger

92. institutional technology

محتوای مشترک برای عموم افراد جامعه پیدا کند (Checkoway, 1995). «اولدن برگ» یکپارچه‌سازی اراضی را گامی در جهت کاهش وابستگی کشاورزان و کمک به کسب استقلال بیشتر آنان، بالا بردن روحیه همکاری گروهی و تعاون در آنها و کاهش تعداد مالکان غیر کشاورز و غایب در روستا می‌داند. وی یکپارچه‌سازی را امری واقعی^{۹۲} و حقیقتی سیال در مسیر اصلاحات ارضی قلمداد می‌کند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مروری بر سیر تاریخی نظریات ارائه شده در ارتباط با کالبدشناسی و آسیب‌شناسی پدیده یکپارچه‌سازی اراضی مؤید این نکته است که فرآیند یکپارچه‌سازی اراضی مجموعه‌ای از عواملی است که در یک کلیت تمام‌گرایانه و نظام‌مند متغیرهای متنوعی اعم از اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و فنی تکنیکی را در خود به همراه دارد. از این رو برای تبیین دقیق مسئله یکپارچه‌سازی اراضی نیاز به نظام‌های مطالعاتی چند منظمی^{۹۴} و محققانی از رشته‌های مختلف علوم کشاورزی، ترویج، اقتصاد کشاورزی، روانشناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی روستایی ضروری به نظر می‌رسد. این امر ناظر بر این حقیقت است که یکپارچه‌سازی اراضی تنها یک اصلاح تکنیکی و فنی برای ساختار مجدد مالکیت زمین از طریق یکپارچه‌سازی کامل در سطح خانوار، تحدید قطعات پراکنده، یکپارچگی ناقص از طریق تجدید کرته‌ها یا حتی ادغام اراضی آن‌گونه که «ماتر» بیان می‌کند، نیست (Mather, 1986). اگر چه به قول «ادواردز» توجه به سازه‌هایی نظیر تناسب نسبی اراضی، تعداد بلوکها و فاصله بین بلوکها در فرایند اجرایی ضروری می‌نماید، اما به نظر می‌رسد پارادایمی که یکپارچه‌سازی اراضی را به مجموعه‌ای از مداخله‌گرهای تکنیکی تقلیل می‌دهد، تبیین‌کننده فضایی مربوط به یکپارچه‌کردن اراضی خرده‌دهقانان با توجه به خرده فرهنگهای حاکم بر جوامع روستایی و تأخر فرهنگی زارعان خرده‌پا، خصوصاً در جوامع کمتر توسعه یافته، نمی‌باشد (Edwards, 1987). البته الزام به تغییر پارادایمهای سنتی و گفت‌وگوهای گذشته^{۹۵} یکپارچه‌سازی به معنای رد پژوهشهای گذشته نبوده بلکه در جهت تکامل تاریخی آنها می‌باشد.

از منظر نشر گرایان، پدیده پذیرش یکپارچه‌سازی اراضی برای حیات در جامعه روستایی

93. real

94. multidisciplinary

95. discourse

نیازمندی فرایندی حلقوی می‌باشد که از مرحله تحریک شروع شده و با چرخشهای لایبرنتی (حلقوی) به مراحل آغازگری، مشروعیت، تصمیم و عمل می‌انجامد. مدل «شاو»، نیز با قبول حضور نفوذ شخصی رهبران مشروعیت بخش در امر مراقبت اجتماعی بیشتر بر سینرژیک گروهی در جامعه روستایی تأکید دارد (موضوعی که به آن در نظریه‌های جدیدی که از طرف «فیشر» و «ووگ»، تحت عنوان مشارکت اجتماعات روستایی برای باز تولید سرمایه اجتماعی ارائه گردیده است، تأکید زیادی می‌شود). تعدادی از محققان با استفاده از نحله فکری پویایی‌شناسی گروهی که منبث از نظریه‌های روانشناسی اجتماعی است و با به‌کارگیری نظریه نظامها (به خصوص نظامهای باز)، مدلی تلفیقی ارائه نموده‌اند که با فرض اینکه نظامهای انسانی، سازمند بوده و نظامهای پردازنده اطلاعات به شمار می‌روند، پویایی گروههای مولد روستایی را در جهت رسیدن به تعادل اجتماعی، به پذیرش یکپارچه‌سازی اراضی در طول یک پروژه زمان‌برناگیر می‌سازد (به شرطی که به قول «سلمان‌زاده» و «جونز»، کارکردهای مثبت خود را در تقابل با فناوری جدید از دست دهد)، که در این بین عبور از گامهای عینی، انعکاسی، تفسیری و تصمیمی برای دستیابی به کنشی عمیق برای پذیرش یکپارچه‌سازی اراضی ضروری به نظر می‌رسد (مطالعات «حسین» و «کروچ»، در فیلیپین نیز مؤید این قضیه است). در بین نظریه‌هایی که از موضع نظریه‌پردازیهی اقتصادی به تحلیل موضوع پذیرش یکپارچه‌سازی پرداخته‌اند، نظریه انتخاب حسابگرانه که از سوی «منکور»، ارائه گردیده است و مدل «سیمونز»، در ارتباط با رفتارشناسی حداکثر کردن منافع زارعان و تلاشهای «شارما»، «لیپتون»^{۹۷} و «استوکی»، با در نظر گرفتن ترکیب اجتماعی فرهنگی زمین، همسو با نقش آن به عنوان یک دارایی سرمایه‌ای، بیش از دیگران به چشم می‌خورد، که اگر نظریات «کوپاهی»، «کانرت»، «نجفی» و «بخشوده» را در راستای تکامل این حوزه فکری به حساب آوریم، تعامل تحلیلهای اقتصادی با تأثیرات فناورانه عدم پذیرش یا پذیرش یکپارچه‌سازی اراضی در حیطة صرفه‌جوییهای آب، زمین و نهاده‌های تولیدی عمیق‌تر به نظر می‌رسد. «ازکیا» به همراه، «بوی»، «پاپا گروگیو»، «تامسون»، «بوش»، «حیدری»، «هیزرمنند» و «قیواری»، از منظر کاملاً اجتماعی و جامعه‌شناختی، به پدیده یکپارچه‌سازی اراضی نگر بسته‌اند (اگر چه نمی‌توان منکر حضور متغیرهای اقتصادی در تحلیلهای آنان شد). «افتخاری» و «ژاکوبی»، نیز با اندک مسامحه‌ای در این ردیف جای دارند. به عقیده این محققان سازه‌هایی

مانند اختلافات و مشاجرات تاریخی دهقانان، تعاون، نهادمندی و نهادسازی در روستاها، همیاریه‌های اجتماعی، همکاریه‌های روستایی، مشارکت و همدلی در بین مولدان، معضلات تولید زراعی، فقدان روحیه نوآوری، بدبینی نسبت به کارگزاران و اصلاحات دولتی جهت بهبود وضعیت اراضی، اشتغال پایدار، اتلاف منابع و ... همگی در تعامل با پدیده یکپارچه‌سازی، آثار تشدید کننده و زنجیره‌ای دارند. جدا از نظریه‌های اقتصادی جامعه‌شناختی بعضی از محققان نیز از منظر زیست محیطی پدیده یکپارچه‌سازی را مورد مذاقه قرار داده‌اند، که از آن میان می‌توان به آرای «دایلن» و «جاسبر»، «کمیک» و «بورتن»، «کاریوژیس» و «زهیر» اشاره داشت که از منظر فرسایش خاک، محدودیت در حفاظت از منابع خاک و آب، تشدید شوری و ... به این موضوع نگرسته‌اند. در هر حال مرور پیشینه نگاشته‌های نظری مرتبط با پدیده‌شناسی یکپارچه‌سازی اراضی و مسئله پراکندگی، بیانگر این امر است که برای رفع این معضل از حیات تولید روستایی، نیازمند دیدگاهی تمام‌گرایانه و کل‌نگر می‌باشیم. بسته نرم‌افزاری که مجموعه‌ای از سازه‌های اجتماعی، اقتصادی، روانشناختی، فرهنگی، سیاسی را در تعامل یا شاید تقابل با متغیرهای فنی تکنیکی در فرآیند تولید زراعی با خود به همراه دارد.

منابع

- ۱- احمدی، ح. (۱۳۷۶)، «قومیت و قومیت‌گرایی در ایران: افسانه یا واقعیت». اطلاعات سیاسی، اقتصادی. شماره ۸.
- ۲- ازکیا، م. (۱۳۵۵)، بررسی نتایج اصلاحات ارضی در هفت منطقه ایران. تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- ۳- ازکیا، م. (۱۳۶۹)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی. تهران: اطلاعات.
- ۴- اسکان، آ. (۱۳۶۴)، یکپارچه‌سازی اراضی در ترکیه. ترجمه: فتحعلی کلانتری، تهران: سازمان تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی.
- ۵- افتخاری، ع. ر. (۱۳۷۵)، «زمینه‌های انجام فرایند یکپارچه‌سازی اراضی زراعی در جهان با تأکید بر ایران». در مجموعه مقالات اولین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران. (جلد اول)، زابل: دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- ۶- الیاسیان، ه. (۱۳۶۵)، شیوه‌های بهره‌برداری زراعت جمعی و یکپارچگی اراضی. تهران: انتشارات وزارت کشاورزی.
- ۷- بافکر، ه. (۱۳۶۶)، بررسی پراکندگی اراضی گزآباد بجنورد. تهران: مرکز تحقیقات روستایی و اقتصاد کشاورزی.
- ۸- بخشوده، م. (۱۳۶۸)، بررسی اقتصادی مسئله پراکندگی اراضی در استان فارس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، شیراز: دانشگاه شیراز، دانشکده کشاورزی.
- ۹- حیدری، غ. (۱۳۶۹)، پراکندگی اراضی زراعی در روستاهای تحت پوشش سطح توسعه کشاورزی حوزه آبریز هراز. تهران: مرکز تحقیقات روستایی و اقتصاد کشاورزی.
- ۱۰- حیدری، غ. و نیازی، ج. (۱۳۷۳)، روند توزیع اراضی و پراکندگی قطعات در بهره‌برداریهای کشاورزی. تهران: مرکز مطالعات برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- ۱۱- خسروی، خ. (۱۳۵۸)، جامعه دهقانی در ایران. تهران: پیام.
- ۱۲- راجرز، ا. و شومیکر، اف. فلویید (۱۳۶۹)، رسانش نوآوریها. ترجمه: عزت‌اله کرمی و ابوطالب فنایی، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- ۱۳- زاهدی، م. ج. (۱۳۷۴)، اسناد یکپارچه‌سازی اراضی در شرکتهای تعاونی. تهران: وزارت کشاورزی، مؤسسه پژوهشهای برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- ۱۴- زند رضوی، س. (۱۳۶۹)، بررسی تغییرات ساختارهای اجتماعی اقتصادی در جامعه روستایی سیستان. زاهدان: دفتر پژوهشی دانشگاه سیستان و بلوچستان.

- ۱۵- شرفی، ع. (۱۳۶۶)، «مشکل تعداد و پراکندگی اراضی متعلق به زارعان». مجله زیتون.
- ۱۶- شهبازی، ا. (۱۳۶۷)، «توسعه کشاورزی و مسئله کوچکی، پراکندگی و دوری قطعات اراضی مورد کشت و کار هر خانواده کشاورز». در: مجموعه مقالات اولین کنگره بررسی مسائل توسعه کشاورزی ایران. تهران: سازمان تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی.
- ۱۷- طالب، م. (۱۳۶۷)، چگونگی انجام مطالعات اجتماعی ایران. تهران: امیرکبیر.
- ۱۸- کرمی، ع. و فنایی، ا. (۱۳۷۳)، بررسی نظریه پردازیه‌ها در ترویج، (جلد اول). تهران: وزارت جهاد سازندگی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی.
- ۱۹- کوپاهی، م. (۱۳۶۹)، اقتصاد کشاورزی. چاپ سوم، تهران: دانشگاه تهران.
- ۲۰- گالسکی، ب. (۱۳۶۱)، کشاورزی دهقانی و مسائل ارضی دهقانی. تهران: آگاه.
- ۲۱- لهسایی زاده، ع. (۱۳۶۶)، تحولات اجتماعی در روستاهای ایران. شیراز: دانشگاه شیراز.
- ۲۲- لهسایی زاده، ع. (۱۳۷۲)، جامعه شناسی کشاورزی. تهران: انتشارات اطلاعات.
- ۲۳- مرکز آمار ایران (۱۳۷۱)، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن. تهران: مرکز آمار ایران.
- ۲۴- ملکانیان، ع. (۱۳۶۵)، پژوهشی بر نظام زمینداری، مالکیت، نظام بهره‌برداری و شیوه‌های تولید کشاورزی در ایران. تهران: وزارت کشاورزی، مرکز تحقیقات روستایی و اقتصاد کشاورزی.
- ۲۵- مندرس، تی. (۱۳۵۸)، زمین، کشاورزان و سیاست. ترجمه مهدی پرهام، تهران: مؤسسه پژوهش‌های دهقانی و روستایی ایران.
- ۲۶- وزارت کشاورزی (۱۳۶۸)، گزارش نهایی مرحله بررسی و تحقیقات طرح توسعه کشاورزی حوزه آبریز رود هراز. تهران: وزارت کشاورزی، طرح توسعه کشاورزی حوزه آبریز رود هراز.

27- Baumgartel, H. (1983), "Human factors, technology diffusion and national development". *Journal of Applied Behaviour Sciences*. No.19, PP.337-348.

28- Bawden, R. (1986), "System agricultural a state of the art assessment". *AGPAK*. No.122, PP.70-79.

- 29- Burton, S. and King, R. (1982), "Land fragmentation and consolidation in Cyprus : a descriptive evaluation". **Agricultural Administration**. No.11, PP.183-200.
- 30- Cesarini, G. (1978), "Consolidation, irrigation and joint management of fragmented small farmers in southern Italy : a case study". **Agricultural Administration**. No.5, pp.145-151.
- 31- Checkoway, B. (1995), "Six strategies of community change". **Community Development Journal**. No.30, PP.124-138.
- 32- Collinson, M. (1988), "The development of African farming system : some personal views". **Agricultural Administration and Extension**. No. 129, PP.7-22.
- 33- Edwards, C. J. W. (1978), "The effects of changing farm size upon levels of farm fragmentation : a somerset case study". **Journal of Agricultural Economics**. Vol.29, No.2, PP. 143-154.
- 34- Elder, J. (1962), "Land consolidation in an Indian village : a case study of the consolidation of holding act in Uttarpradesh". **Economic Development and Cultural Change**. No.11, PP.14-40.
- 35- Fisher, F.; Woog, A. and Emadi, H. (1993), "A participation approach to forest and range management : development strategies for change University of Western Sydney". **A Workshop to Forest and Range Organization Ministry of Rural Development**. Tehran, 27 July - 7 August.
- 36- Folders, I. (1978), "Land policy and land ownership in Hungary". FAO, **Land Reform**. No.1, PP.47-55.
- 37- Goss, K. T. (1972), "Consequences of diffusion of innovations". **Rural Sociology**. No.44, PP.754-772.
- 38- Hallet, H. (1971), **The Economics of Agricultural Policy**. Oxford : Basil Blackwall.
- 39- Hossain, A. S. and Crouch, B. (1992), "Pattern and determinants of adoption : some evidence from Bangladesh". **Agricultural System**. No.38, PP.1-15.
- 40- Igodan, P. and Ekpere, J. (1988), "Factors associated with the adoption of recommended practices for maize production in the Kainji Lake Basin of Nigeria". **Agricultural Administration and Extension**. No.29, pp.149-156.
- 41- Jonston, N. and Ruttan, V.W. (1994), "Why are farms so small?" **World Development**. Vol.22, No.5, pp.667-691.
- 42- Karami, E. (1986), "Agricultural extension in development theory : some conceptual and empirical consideration". **Journal of Extension System**. No.2, pp.61-69.

- 43- Kunert, H. (1977), "Possibilities for improvement the production structure the small farmers areas". FAO. **Land Reform**. No.1, pp.31-37.
- 44- Mancur (1971), **Logic of Collective Action : Public Good and the Theory of Groups**. Mass: Cambridge University.
- 45- Mather, A. S. (1986), **Land use**. London : Longman.
- 46- Meer, P. V. (1975), "Land consolidation through land fragmentation : case study of Taiwan". **Land Economics**. No.2, pp.83-275.
- 47- Mojtahed, A. and Esfahani, S. H. (1989), "Agricultural policy and performance in Iran : the post - revolutionary experience". **World Development**. No.17, pp.839-860.
- 48- Najafi, B. and Bakhshoodeh, M. (1992), "The effects of land fragmentation on the efficiency of Iranian farmers : a case study". **Journal of Agricultural Science and Technology**. No.1, pp.22-232.
- 49- Najafi, B. (1982), "The pre-islamics revolution land reforms in Iran : major effects and problems". **Iran Agricultural Research**. No.1 , pp.81-92.
- 50- Napier, T. L.; Thraen, C. S. and Goe, W.R. (1984), "Factor effecting adoption of conservation and conservation tillage practices in Ohaio". **Journal of Soil and Water Conservation**. No.39, PP.205-209.
- 51- Rogers, E. M. (1982), **Diffusion of Innovation**. (3ed), London : Free.
- 52- Roling, N. (1988), **Extension Science**. Cambridge : Cambridge University.
- 53- Salmanzadeh, C. and Jones, G. (1979), "An approach to the micro analysis of the land reform program in south western Iran". **Land Economics**. No.55, PP.27-108.
- 54- Sharma, K. L. (1983), "General discussion". proceeding of **Conference of International Agricultural Economists**. Oxford : Oxford University.
- 55- Shetty, V. V. (1963), "Consolidation of holdings in Mysore state". **Indian Journal of Agricultural Economic**. Vol.18, No.2, pp.46-54.
- 56- Simons, S. (1983), "Land fragmentation in developing countries : the optimal choice and policy implication". Proceeding of **Conference of International Agricultural Economists**. Oxford : Oxford University.
- 57- Stuki, E. (1983), "Discussion opening 2". Proceeding of **Conference of International Agricultural Economists**. Oxford : Oxford University.
- 58- Sussman, I. and Deep, S. (1989), **Comex : The Communication Experience in Human Relation**. Cincinnati : South Western Company.

- 59- Van Den Ban and Hawkins, H. S. (1988), **Agricultural Extension**. New york : Longmun Scientific and Technical.
- 60- Van Kooten, G. C. (1986), "Soil conservation in agricultural development : an economists view". **Journal of Soil and Water Conservation**. No.41, pp.320-321.

